

نقش مسجد در وحدت اجتماعی مسلمانان

مکانی ظهور و تجلی نماید تا از این راه، امیدهای دشمنان جامعه اسلامی به یأس و نومیدی گراید.

مسجد در جامعه اسلامی در این زمینه، از نقش اساسی برخوردار است. در هر جامعه‌ای امتیازهای مسووم و فسخر فوشیهای سوچ به گونه‌ای مطرح است، چنانچه با این گرایشها به طور ریشه‌ای و پیگیر مبارزه نشود، بیم آن می‌رود که ارزشهای واهی و غیرالهی در چهره ارزشهای پسندیده و

تعمین کننده جلوه‌گر شده و نظام ارزشی جامعه را دگرگون نمایند. مسجد در این رابطه کانونی است که همه روزه مومنان از تشرهای مختلف جامعه با منصب و موقعیتهای اجتماعی گوناگون، از پیر و جوان، سفید و سیاه، ثروتمند و فقیر و... در آن حضور می‌یابند؛ همگان دوش به دوش هم و در صفهایی به هم پیوسته و رو به یک سو نماز می‌گذارند. آنان با تکرار همه

روزه این عمل به یاد می‌آورند که در بارگاه ربوبی، موقعیتهای اجتماعی، مال و مقام و منصب تعیین کننده نیست. همه مسلمانان در صفی واحد و یکسانند و کسی بر دیگری نسبت به تفرق گرفتن در مکانی سزاوارتر و برتر نیست؛ بدین صورت مسلمانان در مسجد قوامی گیرند که همه با هم و همدوشند و بایستی ملاکهای موهوم را به کنار گذارند و بستری را در ارزشهای الهی بدانند که این، همان تقویت عنصر وحدت و فراگرفتن درس همبستگی و پیوستگی در جامعه اسلامی است. از سوی دیگر با نمایش همبستگی و پیوستگی مسلمانان در مسجد، همدلی و همراهی آنان همه روزه احلام می‌گردد. حضوری این چنین از یک سو، دلهای مسلمانان

سست ایسمان را نیرومند و پاسدار می‌سازد و از سوی دیگر سبب می‌شود امیدهای دشمنان دین، یعنی آنان که تفرقه و پراکندگی مسلمانان را به انتظار نشسته‌اند، به

نومیدی گراید. بنابراین، تردیدی نیست که تأکیدهای

پیشوایان دین در مورد حضور در مسجد و پیاداشتن نماز جماعت، از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی نیز برخوردار است. البته این بدان معنا نیست که این شعایر الهی تنها دارای محتوای سیاسی است، بلکه سخن این است که در احکام دینی و از جمله نماز جماعت، جنبه‌های عبادی با جنبه‌های سیاسی و اجتماعی

آنچنان آمیخته‌اند که جدایی آنها از یکدیگر ناممکن است.

نماز جماعت - به ویژه هر گاه در مسجد بر پا شود - زمینه خوبی برای تمرکز حواس در عبادت و تقرب جستن انسان به خداوند متعال را فراهم می‌کند؛ و با این حال، نمایانگر شکوه وحدت مسلمانان و اعلان پیوستگی و همبستگی آنان

است. نمایش پرشکوهی که همه روزه در شکل «نماز جماعت» در پرستشگاه مسلمانان صورت می‌گیرد و در پایان هفته نیز به گونه‌ای فراگیرتر و در چهره نماز جمعه، برگزار می‌شود، از مصداق کامل وحدت و تقرب مسلمانان و اعلان همبستگی آنان است. پس نماز با آنکه معراج مومنان و سایه تقرب پارسایان و روشنی‌بخش دیده عارفان است، از طرفی خار چشم شیطان و منافقان نیز می‌باشد. نقش مسجد و نماز

جماعت در روایات فراوانی از سوی پیشوایان دین (ع) مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. عبدا... بن سنان

می‌گوید: «شنیدم امام صادق (ع) می‌فرماید: رسول خدا (ص) پس از آن که نماز

صبح را با اصحاب خویش به جای آورد، رو به آنان کرد و با ذکر نام درباره افرادی سؤال کرد که آیا به نماز جماعت حاضر شده‌اند یا نه؟ گفتند: نه، ای رسول خدا. پیغمبر (ص) فرمود: مگر در سفرند؟ گفتند: نه، ای رسول خدا. آنگاه پیامبر (ص) فرمود: هیچ نمازی برای

منافقان، شکننده‌تر از نماز صبح و عشاء نیست. اگر مومنان می‌دانستند که این دو نماز چه فضیلتی دارد، با حالت سینه‌خیز هم که بود، خود را می‌رساندند و در آن شرکت می‌کردند.

در این گفتار رسول اکرم (ص)، جنبه اجتماعی - سیاسی حضور در مسجد و نماز جماعت و تأثیری که این حضور وحدت‌آمیز بر تضعیف جنبه نفاق دارد، مورد تصریح قرار گرفته است؛ با وجود این گونه سخنان روشن و خالی از ابهام، نمی‌توان حضور در مسجد و نماز جماعت را از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی خالی دانست.

لازم به ذکر است که فضیلت و ثواب حضور در مسجد، اختصاص به مسجدی که از سوی پیروان مذهبی خاص بنا شده باشد ندارد، بلکه هر مکانی که توسط مسلمانانی به عنوان مسجد بنا شود احکام و فضیلت‌های مسجد را دارا می‌باشد. اختلاف‌های مذهبی نه تنها مانع حضور اهل مذاهب گوناگون در مساجد یکدیگر نیست، بلکه مسجد به منزله عاملی موثر با این گونه اختلافها مبارزه می‌کند و مسلمانان را به یکدیگر نزدیک می‌نماید. آنگاه که پیروان مذاهب گوناگون

اسلام با وجود اختلاف در پاره‌ای از مسایل در خانه خدا حاضر می‌شوند، دوش به دوش هم می‌ایستند و به یک سو نماز می‌گذارند، به خوبی به یاد می‌آورند که نقاط مشترک آنان به مراتب فراوانتر از مسایل مورد اختلاف است و این خود زمینه مناسبی را برای وحدتی استوارتر و پایدارتر فراهم می‌آورد.

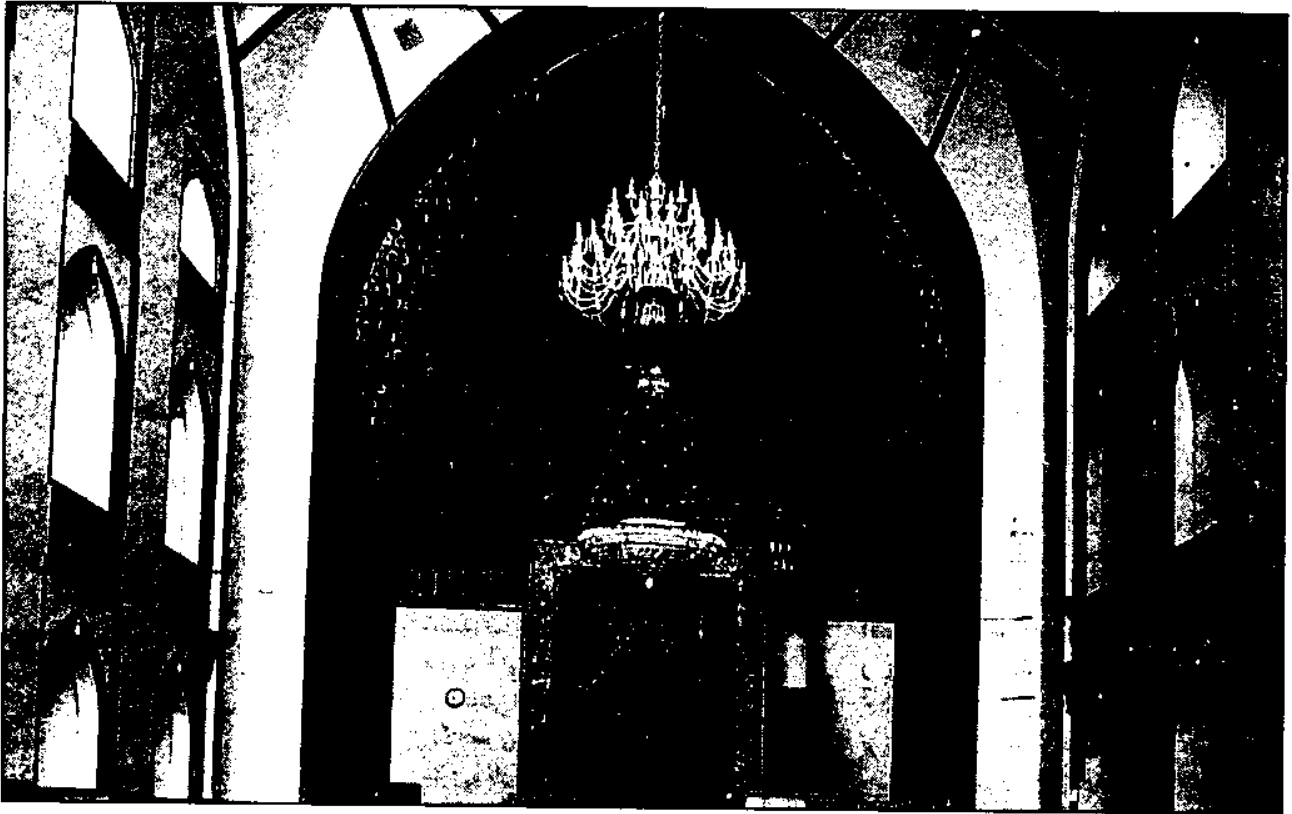
به علاوه، حضور پیروان مذاهب مختلف اسلامی در مسجد، نمایانگر شکوه وحدت مسلمانان و یکپارچگی آنان در برابر جنبه واحد کفر و شرک و نفاق است. این حضور برادرانه، مایه برخورد آرا و افکار گوناگون است. در نتیجه، رشد روزافزون اجتماعی و فرهنگی

مسلمانان را بدنبال دارد و زمینه مناسبی را برای راهیابی حق جویان به سوی حق و حقیقت فراهم می‌آورد.

اثمه (ع) با توجه به همین آثار سازنده، بر حضور در مساجد پیروان مذاهب دیگر تأکید نموده‌اند. آنان خود در مسجد و نماز جمعه و جماعت مسلمانان دیگر مذاهب شرکت می‌جستند و شیعیان خویش را نسبت به این امر تشویق می‌نمودند. امام صادق (ع) خطاب به یکی از شیعیان خویش که از نماز گزاردن در مساجد برادران اهل سنت ابراز ناخوشایندی می‌کرد، فرمود: «نماز گزاردن در مساجد آنان را ناخوشایند مدار؛ نماز واجب، مستحب و نماز قضا را در مساجد آنان بجای آور».

یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی، وحدت و همبستگی نیروهای مسلمان بر محور فرامین الهی است. جامعه‌ای که دچار تفرقه و پراکندگی شود، بخش مهمی از نیرو و توان خود را در کشمکشها و درگیریهای داخلی از دست خواهد داد. چنین جامعه‌ای نه تنها در رویارویی با دشمنان خارجی دچار ضعف و ناتوانی می‌شود، بلکه توانایی حل مشکلات درونی خود را نیز نخواهد داشت و سواتجام با شکست همه جانبه رو به رو خواهد شد. از اینرو در مکتب حیاتبخش اسلام بر عنصر وحدت در جامعه اسلامی تأکید فراوان شده است.

اسلام برای دستیابی به این امر حیاتی، در جوهر و نهاد خود تمامی امتیازهای مسووم را نفی نموده و کرامت و ارزش انسان را بر پایه «تقوا» بنا نهاده است. با این حال، «وحدت» از یک سو نیاز به اسباب و عواملی دارد تا هرچه بیشتر استحکام و پایداری یابد و از سوی دیگر نیازمند آن است که در



نگرشی به تاریخ حریم رضوی

ایوان جنوبی مسجد گوهرشاد

بزرگ عالم زاده - محقق

قسمت بیست و نهم

زمینه دیوار داخلی ایوان، کاملاً سفید و ساده و جابه جا با ترنجها و نقشهای جالب، تزیین شده است. بر سطح دیوار شرقی و غربی آن، عباراتی، مانند: (الله اکبر) و (الحمد لله) و (سبحان الله) و... به چشم می خورد.

بر پایه های ایوان مقصوره نیز ترنجهایی هست و از این قبیل کلمات را به خط بنائی در بردارد بر فراز طاقهای دو ضلع ایوان، احادیث و آیات کوتاهی نیز مکتوب است. در طرف غربی جلو ایوان، کتیبه ای بر کاشی معرق به خط ثلث وجود دارد که در آن، حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین آمده:

است. اندازه عرض داخل ایوان، متفاوت است. در دو ضلع طرفین ایوان مقصوره ۶ راه ورودی به شبستانها برای اتصال - هنگام اقامه نماز جماعت - وجود دارد. و در بالای راهروها ۶ غرفه و بالای غرفه ها تعداد ۸ غرفه مانند کوچک، جهت تأمین روشنایی ایوان تعبیه شده است.

سقف ایوان مقصوره، گنبدی شکل و بر دور آن، کتیبه ای است از آیات قرآن به خط محمدرضا امامی و کف ایوان از سنگ خلیج پوشش یافته و ازاره آن به ارتفاع ۱/۵۰ متر سنگ تیره است.

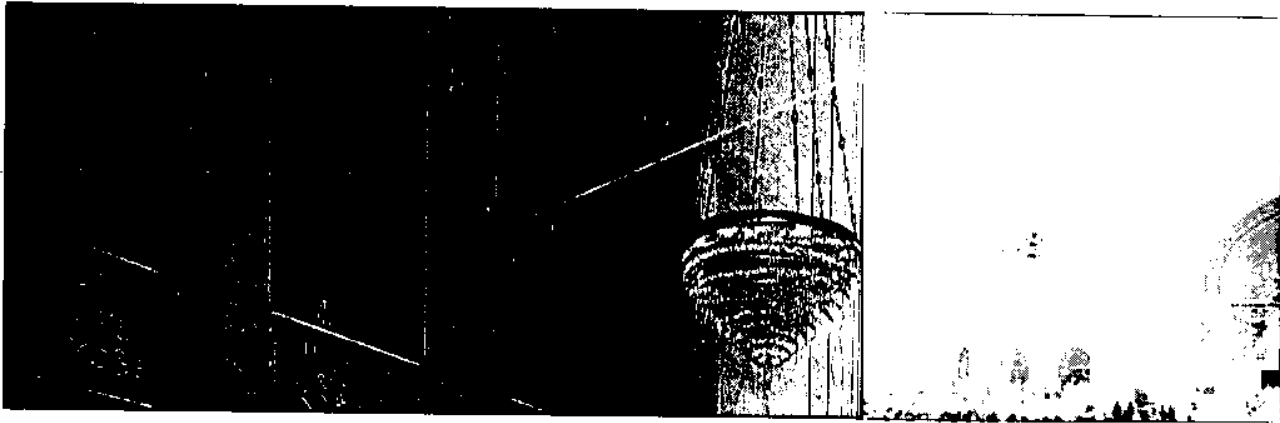
کتیبه های تاریخی ایوان مقصوره:

الف - کتابت داخلی ایوان:

ایوان ضلع جنوبی مسجد گوهرشاد به ایوان (مقصوره) معروف است. این ایوان از وسیعترین و باشکوه ترین ایوانهای مسجد است. سر در ایوان مقصوره دارای طاق عظیم کاشی کاری شده است و در طرفین ایوان، دو گلدسته کاشی زیبا ساخته شده که از لحاظ کاشی کاری، بسیار قابل توجه است.

مساحت ایوان مقصوره بالغ بر ۵۰۰ متر مربع است و ارتفاع سر در آن، حدود ۲۷ متر و ارتفاع ایوان تا زیر سقف، حدود ۲۹ متر است.

قطر پایه های طرفین دهانه، حدود ۵ متر و عرض دهانه ایوان ۱۵/۶۰ متر و طول آن ۳۷ متر



بایسنفر - فرزند بانی مسجد - است. گروهی از محققان که به شیوه خطوط مختلف آشنایی دارند، معتقدند که قسمتی از این کتیبه بایسنفری، ریخته شده و بعداً در زمان تعمیر مسجد، به خط محمدرضا امامی - از خطاطان معروف عهد صفویه - نوشته شده است.

گفتنی است که علاوه بر جنبه کاشی کاری و رنگ آمیزی های متنوع این کتیبه، آنچه در ارزش هنری و تاریخی آن، فوق العاده مؤثر است، شیوه و حسن خط کتیبه است که این خطاط فرهنگ پرور تیموری از خود به یادگار گذاشته است؛ بدین جهت، باستان شناسان و محققان آثار باستانی - از نظر هنری و نکات تاریخی، برای این کتیبه، ارزش بسیاری قائلند و ارزش و اهمیت این کتیبه به قدری است که باعث شده این بنای عظیم یکی از شاهکارهای معماری دنیا شناخته شود.

در پایان کتیبه آمده است:

«کتبه راجیاً الی رحمة الله، بایسنفر بن شاهرخ تیمور گورکانی فی ۸۲۱ هجری. و در آغاز کتیبه سمت راست پایه ایوان مقصوره در دو سطر به خط ریز - نوشته شده: «اتفق تحریرها فی اوائل شهر الله المبارک رجب المرجب سنة احدى و عشرين و ثمانمائة.»

در مضمون کتیبه، ضمن بیان آیات و احادیثی در فضیلت عمران و بنای مسجد، نام بانی مسجد و تاریخ بنای آن آمده است. قسمت آخر کتیبه، مجدداً به خط بایسنفر است که در این قسمت، نام

«قال النبي عليه السلام، المؤمن في المسجد كالسهم في الماء»

(مؤمن در مسجد مانند - ماهی در آب است) و در شرق ایوان، مقابل آن نوشته شده:

«المنافع في المسجد كالطير في القفص، سنة احدى و عشرين و ثمانمائة.»

(منافع در مسجد مانند پرند در قفس است، سال ۸۲۱)

در جای دیگر، کتیبه ای به خط ثلث، آیه شریفه:

«الله نور السموات والارض... والی الله المصیر» را در بردارد.

از دیگر کتیبه های داخلی ایوان مقصوره، کتیبه ارزشمند دور سقف گنبدی شکل آن است که سوره مبارکه (یس) را با خط ثلث محمدرضا امامی در بردارد و در طرفین ایوان نیز بر فراز طاقها، کتیبه هایی از حدیث و آیات قرآن به چشم می خورد.

و اما کتیبه مشهور بایسنفر بن شاهرخ - فرزند بانو گوهرشاد - بر سر در خارجی ایوان مقصوره، روی کاشی معرق اعلا نوشته شده است. این کتیبه، از کنار آزاره سنگی طرف راست ایوان شروع شده، پس از گذشتن از بالای کتیبه پیشانی ایوان، نزدیکی آزاره سنگی سمت چپ، ختم شده است.

اهمیت کتیبه در این است که به خط بزرگترین ثلث نویس و خطاط نامی و معروف زمان خود،

● باستان شناسان و محققان آثار باستانی - از نظر هنری و نکات

تاریخی، برای این کتیبه، ارزش بسیاری قائلند و ارزش و اهمیت این کتیبه به قدری است که باعث شده این بنای عظیم یکی از شاهکارهای معماری

دنیا شناخته شود

خود و نام معمار و هنرمند نامی «قوام الدین شیرازی» که مسجد بااندیشه و هنروی پی ریزی شده، مکتوب است.

در میان این کتیبه، چندین بار جمله (الملک لله) به خط کوفی آمده است.

کتیبه جالب دیگری در پیشانی ایوان مقصوره - به خط ثلث و رنگ زرد، در زمینه ای لاجوردی بر کاشی معرق نفیس - نوشته شده و مشعر بر حمد و ثنای الهی و عظمت و قدرت خداوند است و در پایان کتیبه پیشانی ایوان، نام محمدرضا امامی و سنة (سبع و ثمانین بعد الالف) (۱۰۸۷) نوشته شده است.

محراب ایوان مقصوره

در وسط ضلع جنوبی ایوان، محرابی بسیار زیبا از سنگ حرم وجود دارد.

این محراب را مقرنس کاری ها با نقشهای جالبی در بر گرفته اند و حاشیه محراب را دو کتیبه ممتاز تزئین نموده است که یکی بر کاشی معرق نوشته شد و دیگری بر سنگ مرمر، حجاری شده است.

بر کتیبه کاشی دور محراب، «آیه الکرسی» را به خط ثلث جلی و بارنگ سفید، روی زمینه ای لاجوردی نوشته اند که در بین نوشته های این کتیبه، آیات متعددی از قرآن، به خط کوفی زرد دیده می شود.

کتیبه دوم محراب که بر سنگ، حجاری شده در حاشیه داخلی محراب است و آیه شریفه «اقم الصلوة لعلک تلک الشمس» بر آن نقش بسته است و بر روی عبارات آن، آیه ای دیگر - بسیار ماهرانه - کنده کاری شده است.

آزاره محراب ایوان مقصوره از سنگ مرمر پوشیده شده و در وسط آن به رنگ سیاه، مکتوب است: «عجلوا بالصلوة قبل الفوت و عجلوا بالتوبة قبل الموت».

سقف بالای محراب، به طرز بسیار زیبایی، مقرنس کاری شده است.

والسلام

رسالت علمی و سیاسی



مسجد النبی (ص)



نویسنده: عبدالعزیز محمد اللمیلم

ترجمه و تلخیص: محمدتقی رهبر

اشاره:

مقاله حاضر، ترجمه بخش: «الفصل الثانی: الرسالة العلمیة والسیاسیة للمسجد النبوی»، از کتاب رسالة المسجد فی الاسلام است.

نویسنده کتاب، دکتر عبدالعزیز محمد اللمیلم استاد گروه تاریخ و تمدن دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اسلامی محمد بن سعود، تلاش دارد با معرفی ویژگیهای مسجد النبی (ص)، نمونه هایی از دستاوردهای گوناگونی مسجد را ارائه کند.

رسالت علمی مسجد نبوی (ص)

مسجد، نخستین مرکز روشنگری روحی و علمی است، زیرا جایگاه عبادت و تعلم و محل تذکر، تفقه و هدایت است. رسالت مسجد در اسلام فقط به جنبه دینی محدود نمی شد، بلکه در مساجد همواره به روی مردم گشوده بود و هیچگاه دانش پژوهان و فرهنگ خواهان از مسجد دست خالی بر نمی گشتند. پیامبر خدا (ص) مهاجران نیازمند را در آنجا اسکان می دادند، هیئتهای آمده از اطراف مدینه را در مسجد می پذیرفتند، و نیز نمایندگان خود را از مسجد اعزام می کردند و سپاهیان را بسیج می دادند.

در روزگار رسول خدا(ص) و صحابه آن حضرت، مسجد کانون عبادت و اعتکاف، محل آموزش و ارشاد، مرکز مشورت و تبادل نظر مسلمانان، مقر دادرسی و قضا، جایگاه فرماندهی نظامی و اعزام سپاهیان و مجاهدان راه خدا، و مکان ضیافت و پذیرایی هیئت‌هایی بود که بر پیامبر خدا(ص) وارد می شدند تا به اسلام تشریف حاصل کنند.

چنین ره آوردی، رسالت مسجد در هر زمان و مکانی است. مسجد نباید مرکز خرید و فروش، بیهوده گویی، لهو و لعب، جستجوی گمشده‌ها، هوی و هوس‌ها، منازعه و کشمکش‌های سیاسی، و مشاجرات دینی باشد. رسالت مساجد، رسالت توحید، هدایت، و رسالت وحدت و چنگ زدن به رشته خدایی است.

مسجد پیامبر خدا(ص) در مدینه، نخستین دانشگاهی بود که حضرت(ص) با دست خود یاران را بخوبی تربیت کردند تا در دین خدا فقیه و دانا شدند. هرگاه آنان ۱۰ آیه در محضر پیامبر(ص) قرا می گرفتند، از آن آیات رد نمی شدند تا محتوای علمی و عملی آن را فرا گیرند. صحابه پیامبر(ص) به این دانشگاه آمد و رفت می کردند تا دانش، هدایت، فضایل و ادب را به دست آورند. آنان هر اندازه که وقتشان اجازه می داد و شرایط زندگی شان مساعدت می کرد، به این مهم اختصاص می دادند.

یاران رسول(ص) بر حضور در مسجد پیامبر(ص) - تا آنجا که ممکن بود - حرص می ورزیدند. و هرگاه یکی از یاران توفیق حضور در مسجد را نداشت، دیگری شرکت می کرد و اخبار مسجد را - که در شبانه روز اتفاق افتاده بود - به او می رساند. آنان برای این کار، نوبت می گذاشتند. طبیعتاً هدف از این کار حضور در جلسات درسی پیامبر خدا(ص) در مسجد بود تا از فیض محضر آن بزرگوار و جلسات درس ایشان محروم نمانند.

مسجد مدرسه ای بود که مردان و قهرمانان در آن ساخته شدند، و در پرتو کتاب قرآن، مردمی شترچران و بت پرست، به پیشروان هدایت تبدیل گردیدند. و همین افراد، داعیان، مبلغان، داوران، حامیان، پارسایان شب و سواران میدان در روز بودند، و توانستند اسلام و صلح و صفا را در گستره زمین رواج دهند، حیات معنوی را در پهنه گیتی منتشر سازند، و انسانیت را با ارزشهای متعالی و بی مانند اسلام و نمودارهای نوین یاری رسانند؛ «دیناً قیماً ملة ابراهیم حنیفاً»^۱ (دینی همواره استوار، دین حنیف ابراهیم).

همچنین مسجد رشته پیوند ارتباط زمین به آسمان بود، که از آن مردم عقب افتاده، کینه توز و بیرحم، امتی آسمانی پدید آورد که تاریخ بشری مانند آن را به یاد نداشت. و این، به برکت وحی آسمانی و تربیت الهی بود، که گروه‌های مؤمن و صالح را تحویل جامعه داد؛ کسانی که با اخلاق و رفتار حسنه، عدل و داد و تمسک به رشته استوار دین، دنیا را پیش از آنکه با شمشیر و

نیزه به تصرف درآوردند، فتح کردند. همچنانکه از این کانون هدایت، دانشمندان سترگ، محدثان، فقیهان و مفسران گرانقدر تربیت یافتند، و از دریای علوم و گنجینه‌های ادب، معارف و اخلاق آنان مردم جهان سیراب شدند. اینان دانش و فضل خویش را از دانشگاه‌هایی نظیر آنچه در عصر ما متداول است نگرفتند، بلکه از اولین معلم و هدایتگر بشر، محمد بن عبدالله(ص)، درس آموختند که خداوند او را به رسالت برانگیخت تا هادی و معلم انسانها باشد؛ «هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لقی ضلال مبین»^۲ (او کسی است که به میان مردمی بی کتاب پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنان بخواند، و آنان را پاکیزه سازد، و کتاب و حکمتشان بیاموزد، اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند).

در مرحله نخست این مدرسه، تربیت عملی مورد توجه بود، زیرا ثمره و نتیجه علم، همین است. چنین تربیتی، ملاک هر فضیلت، امان بخش از هر نوع ستم و تجاوز، و رهایی از همه رذیلتهاست. راه و روش پیامبر اکرم(ص) در تربیت یاران، عالیترین راه و روش در ساختن انسانیت با برجسته‌ترین صفات بود. حضرت(ص) با رهبری ستوده و حکیمانه، و تعالیم والای خود، از این مسجد شاگردانی تربیت کرد و تحویل جامعه داد، که در گستره زمین برای اقامه حق، یاری دین و دعوت به خدا ره سپردند، جهان را به نیکوترین وجه به ساحل امنیت و صلح رهنمون شدند، و با آیینی که نظام بخش حیات و همدوش فطرت بود انسانیت را ارتقا دادند، حجابهای تیرگی را از دیدگان کنار زدند، و از مادیگری و گمراهی رهانیدند. لذا، قلبها پس از گمراهی راه هدایت یافتند، و نفوس از دلهره و اضطراب آزیدند.

یاران رسول الله(ص)، دانشمندانی سترگ و فاتحانی بزرگ بودند. آنان در شرق و غرب چنان پیروزی به دست آوردند که پس از پیامبر(ص)، به عنوان برترین چهره‌ها در اخلاص، شجاعت و خرد مکل شدند. با چنین سرمایه معنوی، آنان در کوتاه زمانی توانستند به سیطره و نفوذ دو دولت توانمند آن روز، ایران و روم، در شرق و غرب خاتمه دهند. بسیاری از کشورها را از سلطه آنان خارج سازند، و مسیر تاریخ را برگردانند. و چرا چنین نباشد، در حالی که آنان به دست نخستین معلم و مربی بشریت، محمد بن عبدالله(ص) تعلیم دیده و تربیت شده بودند.^۳

مأذنه مسجد

از مناره مسجدها آهنگ مؤذنان بلند است. آنان واژه‌های توحید را - که پیام آوران خدا برای امت‌هایشان بروشنی بیان کردند - بر زبان تکرار می کنند. اذان پیام آور اعتقادی است که پراکنندگیها را جمع می کند، و افراد را بدون مشخصه‌های

که مسلمانان را در حال گروههایی برای نماز بنگرد که صفوف خود را مرتب می کنند، با وقار و نظم خیره کننده ای می ایستند، و به رکوع و سجود می روند، امکان ندارد ارزش تربیتی نماز را در نفوس مسلمانان نادیده بگیرد. کافی است به خاطر بیاوریم که این ملت با غروری که داشت در برابر اراده خارجی سر فرود نمی آورد. در عین حال، همین ملت به یک شعور کامل نسبت به اطاعت خداوند نیاز داشت، که بدان دست یافت. و این، کافی است که به ارزش و اهمیت نماز در بیدار کردن روح نظم و مراقبت از آن، پی ببریم. و به همین دلیل، مسجد به عنوان جایگاه نماز، نخستین میدان واقعی برای تربیت و تمرین نظامی نزد مسلمانان بود. همبستگی آنان در نماز روح وحدت را پروراند، و روح مساوات را - که اندیشه نوینی در سرزمینهای عربی بود - پدید آورد، در حالی که در آن روز همبستگی بر خون تکیه داشت. از این رو، حضرت محمد (ص) جاده وحدت سرزمینهای عربی را با همه تضادها و اختلافاتش هموار ساخت.^۲

این اعتراف یک بیگانه است؛ «والفضل ما شهدت به الاعداء».

خوشر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

این نقش آفرینی از نماز، امر بعیدی نیست، زیرا نماز رکن دوم اسلام و ستون دین، و نیز مرز حایل میان اسلام و کفر است. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «العهد الذی بیننا و بینهم الصلوة فمن ترکها فقد کفر» (ملاک و معیار میان ما و آنان نماز است. هر که نماز را ترک کند، کافر است).

چرا چنین نباشد، حال آنکه نماز عمود دین است؛ و ساختمان بدون ستون برپا نشود. از سوی دیگر، نماز اساس تربیت اسلامی و اخلاقی است.

شک نیست که نقش مؤثر نماز در تربیت و اخلاق، به حرکات خاص یا کلماتی نیست که فقط بر زبان جاری شود، بلکه باید آنچه رسول هدایت (ص) فرمودند، در نماز پدید آید: «من لم تنه الصلوة عن الفحشاء و المنکر لم یزد بها من الله الا بعداً» (کسی که نماز او را از اعمال زشت و منکر باز ندارد، جز دوری از خدا ره آوردی نخواهد داشت) قرآن نیز همین مطلب را درباره نماز خاطر نشان می سازد و می گوید: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر». و نیز از سخن رسول الله (ص) است: «کم من قائم لیس له من قیامه الا السهر» (بسیارند نمازگزارانی که از نماز جز بیخوابی بهره ای ندارند).

همین سخن را درباره روزه، حج و سایر تکالیف نیز می توان گفت، و آثار تربیتی هر یک را منظور داشت.

مسجد در تاریخ و جغرافیای اسلام

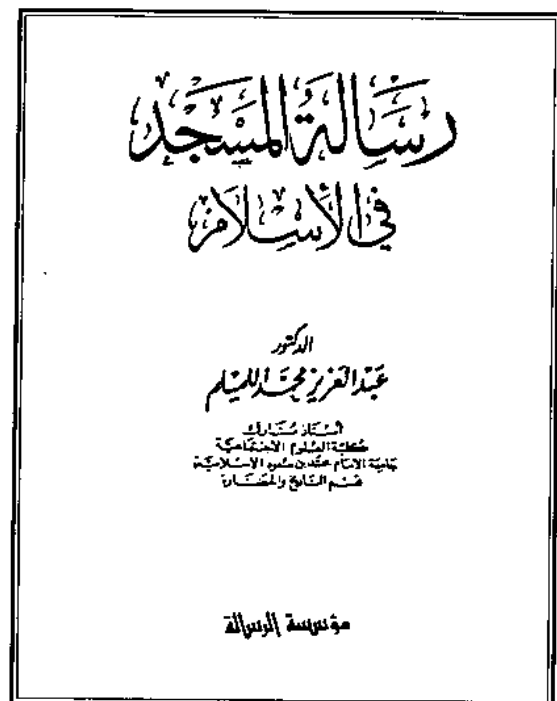
یکی از محورهای اساسی مورد توجه دولت بزرگ

نژادی پیوند می زند. همه شاخصه ها در اینجا ذوب می شود، و موانع همبستگی برطرف می گردد. بدینسان، در مسجد روح مساوات و دموکراسی - اگر چنین تعبیری درست باشد -، به بهترین شکل آشکار می شود. بهترین مثال آن، نماز است. نماز، تجلی گاه مساوات، نظم، تسلیم و یگانگی است، زیرا فقیر و غنی، بزرگ و کوچک، و آزاد و بنده، در اینجا امتیازی ندارند. همه صفوف به هم پیوسته، و شانه ها به یکدیگر چسبیده است و جماعت نمازگزار، به امامت یک فرد سرفرود آورده اند.

اسلام، نماز جماعت را با این فلسفه مقرر نمود که مسلمان بداند که او عضوی از یک پیکر است، و در اجتماع باید احساس مسئولیت کند و خود را شریک سرنوشت امت بداند. بدین گونه، مسلمان بر آن نیست که برای خود و در کنج عزلت و عبادت به سر برد، بلکه می خواهد در نماز خود در کنار برادران مسلمان بایستد، به آنان یاری دهد، و از آنان یاری طلبد.

نماز جماعت تبلور نظم و وحدت

در اینجا مناسب است گفتاری از یک تاریخنگار منصف غیر مسلمان درباره نماز و نقش فعال آن در زندگی مسلمانان بیاوریم. وی می گوید: فریضه نماز از آغاز ظهور اسلام به عنوان یک شعار زنده مطرح بوده، و در همه حال از قوت و اهمیت ویژه ای میان مسلمانان برخوردار است. نماز جماعت را مسلمانان به امامت شخص رسول الله (ص) به پا داشتند. کسی



کنند. یکی از موارد معاهده این بود: بر شماست که مسجدی را که مسلمانان در مجاورت شهرتان ساخته اند نگاه دارید، مانع نماز خواندن افراد نشوید، و در نظافت، روشنایی و بزرگداشت آن بکوشید.

آری، عبدالله بن ابی سرح و همراهان مسلمانش اهمیت و جایگاه این مسجد را می دانستند، لذا با مردم نوبه شرط کردند که در نظافت و روشنایی و احترام آن بکوشند.^۹

مسجد اردوگاه تربیت و تمرین و نشان دادن نهال نظم و سازماندهی در نفوس مسلمانان بود. نمازهای اقامه شده در مسجد، درس نظم، وقت شناسی، برابری و انسجام می آموزد؛ همان گونه که تمرینی برای اطاعت و پیروی در تمام حرکات و سکنات از امام جماعت است. و نیز مسجد، می آموزد که چگونه باید کسی را به امامت برگزینند و مقدم دارند، که از همه شایسته تر است تا مقام و منصبی به نااهل سپرده نشود. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: «إذا وسد الأمر إلى غير أهله فانتظر الساعة»^{۱۰} (آنگاه که امر به نالایق سپرده شود، باید منتظر قیامت بود).

مسجد پرچم اسلام

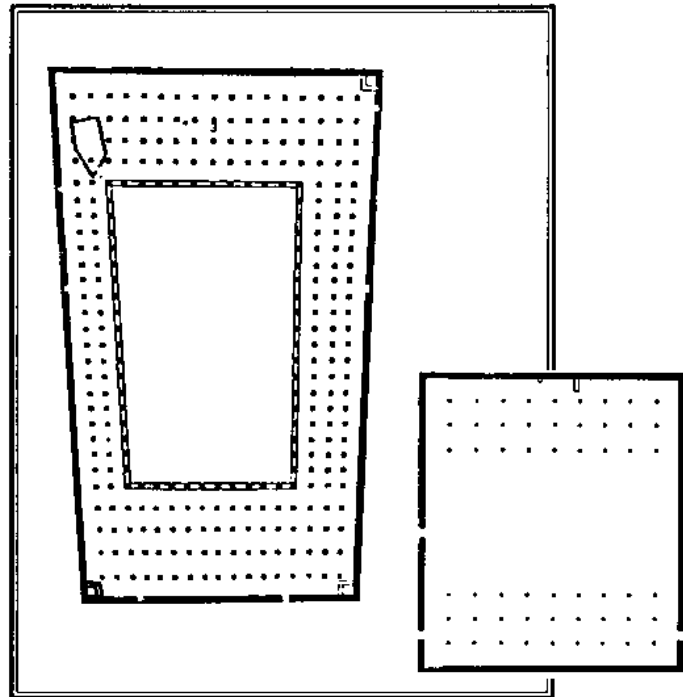
در نظام استعماری هرگاه گروهی به پیروزی می رسند، پرچم دولت غالب را در پایتخت کشور مغلوب بر می افرازند تا نشان پیروزی و غلبه باشد، اما هرگاه مسلمانان شهری را فتح می کردند، در آن شهر مسجد جامع می ساختند تا، نشانه ای از شهر اسلامی باشد.

ایجاد مسجد، اعلانی برای سیادت دین خدا بود، نه سیادت قوم غالب بر قوم مغلوب. و این، همان نخستین کاری بود که پیامبر اکرم (ص) به هنگام لحظه ورود به قبا انجام دادند، و نیز هنگامی که پیامبر (ص) به مدینه منوره رسیدند، مسجد الرسول را پی افکنند. و از این رو، نخستین کار آن حضرت (ص)، ایجاد مسجد بود.

در دیگر شهرهایی که مسلمانان فتح می کردند، اوضاع چنین بود. در اولین خطبه نماز جمعه که در بصره، کوفه، فسطاط یا قیروان ایراد می شد، کمترین اشاره ای به پیروزی، فتح یا غلبه نبود، بلکه آنچه جلب نظر می کرد سپاسگزاری خداوند - سبحانه - بر فتح این شهرها و انضمام آنها به حوزه اسلام بود.^{۱۱}

مسجد مرکز سیاست و مدیریت اسلامی

در دورانهای درخشان تمدن اسلام، مسجد در زندگی مسلمانان با نقشهایی همچون: مجلس شورا، دادگاه داور، مرکز فتوا، مدرسه دانش و پادگان نظامی، جلوه می کرد. از مسجد سپاهیان گسیل می شدند تا با جهاد در راه خدا کلمه الهی را برافراشته دارند، و پرچم اسلام را در جهان به اهتزاز درآورند. هیئت ها و گروههایی که به قصد تشریف به اسلام به



نقشه مسجدالنبی در عهد پیامبر و مهدی عباسی

اسلامی، این است که هیچ یک از سرزمینهای آن از مسجد جامع خالی نیست. برای مثال، عقبه بن نافع الفهری به سال ۵۰ هـ. ق در قیروان^۷ مسجدی را بنا نهاد، که خود نماد اقتدار اسلام و عامل مؤثر و نیرومندی در حراست از دولت اسلامی در آفریقابود. همین امر، مسلمانان را بر محافظت از آن، حتی با دادن شهیدانی ترغیب می کرد. از این رو، از آن پایگاه، اسلام گسترده شد و همه سرزمینهای مغرب را فراگرفت. و آنگاه، با دست مردانی همچون: عقبه بن نافع، معاویه بن خدیج سکونی، ابوالمهاجر دینار، زهیر بن قیس البلوی، حسان بن نعمان غسانی، موسی بن نظیر و طارق بن زیاد، مقدمات فتح اندلس را فراهم ساخت. همه اینان در راه برافراشتن پرچم توحید و گسترش عدل و برابری میان افراد و ملت‌های در بند و ستم‌دیدگان از سلطه دولتهای رومی و قوطی بیدریغ فداکاری کردند.

و همان گونه است مسجد الاقصی، که به عنوان قبله اول مسلمانان و یکی از مساجد سه گانه ای که جز برای زیارت آنها، بار سفر بسته نمی شود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. و لذا، اهمیت آن همه مسلمانان جهان را ملزم می سازد که برای آزاد کردن آن از چنگال یهود و بازگرداندن آن به آغوش اسلام، به پا خیزند.

اهتمام سرداران مسلمان به مسجد و اهمیت آن در نظر مسلمانان، بحدی بود که وقتی عبدالله بن سعد بن ابی سرح به سرزمین نوبه در سال ۳۱ هـ. ق لشکر کشید و در نبرد معروف «دقله»^۸ بر مردم آن سرزمین پیروز شد، نخست با آنان پیمان بست که از مسجدی که برایشان ساخته بود، مراقبت

۶. عنکیوت/ ۴۵

۷. قیروان، یکی از شهرهای تونس می‌باشد. مسجد جامع آن نیز از بناهای تاریخی اسلامی معروف است که عقبه بن نافع آن را در سال ۶۷۰م بنا کرد. ر. ک: المنجد فی الادب والعلوم
۸. یکی از نواحی سودان است؛ ر. ک: المنجد فی الادب و العلوم
۹. المساجد، ص ۴۲
۱۰. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۱۱۹
۱۱. مؤنس، حسین، مقاله: «مساجد الاسلام و المسلمین فی شتی العصور»، مجلة العربی، ص ۱۵۶
۱۲. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۱۱۹

ادامه از صفحه ۳۵

۱۵. همو، مبسوط، ج ۲، ص ۴۶
۱۶. سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۰۷
۱۷. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۲
۱۸. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۵۶
۱۹. همان، ج ۱۷، صص ۲۵۰-۲۵۱
۲۰. انفال/ ۳۵
۲۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲، ص ۸۰۵
۲۲. همان، ص ۸۰۹
۲۳. آل عمران/ ۹۶-۹۷
۲۴. تاریخ، تعداد ۷۲ وفد را ضبط کرده است. ر. ک: آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ اسلام، ج ۴، صص ۶۸۲-۶۵۰
۲۵. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۰۵
۲۶. همان، ج ۴، صص ۲۰۶-۲۱۲
۲۷. واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۳، صص ۷۳۳-۷۳۴
۲۸. السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۸۴
۲۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیرکبیر، ج ۲، تهران، ص ۷۱۳
۳۰. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۸۱۴، به نقل از سیره حلبی، ج ۳، ص ۲۳۹
۳۱. ر. ک: تاریخ قرآن، صص ۷۱۳-۷۱۴
۳۲. السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۹۱
۳۳. آیت الله سیدمحمد رضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۵۲
۳۴. استفتانات منتشر نشده از امام خمینی - قدس سره - به نقل از سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۱۱

- رهبری، حسن، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (س) نقش زمان و مکان در اجتهاد، مسائل مستحدثه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۴، ج ۱۳، صص ۹۹-۱۲۲

مدینه می‌آمدند، وارد مسجد می‌شدند. بهترین مثال در این باره، آمدن وفد ثقیف بود، که پس از غزوه تبوک در سال ۹هـ. ق شرفیاب محضر پیامبر اکرم (ص) شدند. پیامبر (ص) دستور دادند تا در قسمتی از مسجد، خیمه‌ای برایشان سرپا کنند تا آیات قرآن را بشنوند، مردم را در حال نماز ببینند، و از قرائت آنان متأثر شوند، و کلمات نماز را بازخوانی نمایند.

همچنین، اسیرانی را که از سرزمین کفر می‌آوردند، در مسجد جای می‌دادند تا پذیرای اسلام شوند یا فدیة بدهند و آزاد گردند. داستان ثمامة بن اثال، بهترین مثال برای این مطلب است، هنگامی که وی به اسارت درآمد، پیامبر (ص) دستور دادند که در مسجد نگهداری شود. حضرت (ص) به یاران سفارش کردند که با او نیکی کنند. آنگاه پیامبر (ص)، اسلام را در سه روز بر وی عرضه کردند، ولی او نپذیرفت. پس از اینکه دستور آزادی وی صادر شد، ثمامة خود را شست، خدمت پیامبر (ص) آمد، و اسلام آورد. ۱۲

مسجد در اسلام، دانشگاهی ملی بود، که درسها و مواظب آن برای مردان و زنان به طور یکسان گفته می‌شد، و هرکس به قدر گنجایش ذهنی و توان فکری از آن بهره می‌گرفت. لذا، هر کدام از مرد و زن می‌توانستند به مسجد بیایند؛ چنانکه پیامبر اسلام (ص) در این باره فرمودند: «لا تمنعوا اماء الله مساجد الله» (از آمدن کنیزان خدا به مسجدها مانع نشوید).

پانوشتها:

۱. انعام/ ۱۶۱
۲. جمعه/ ۲
۳. آنچه نویسنده مقاله در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) آورده هر چند تا حدودی مقرون به حقیقت است، اما تمام حقیقت نیست. باید توجه داشت همه کسانی که در برابر اسلام تسلیم شدند، در خط راستین نبوت - که همانا امامت و ولایت است - ثابت و پایدار نماندند، و فتوح معنوی اسلام - چنانکه باید انتظار می‌رفت - تحقق نپذیرفت. و اگر رهبری امت در دست وارثان وحی، ائمه اطهار (ع)، بود روند تاریخ اسلام و سرنوشت جهان انسانی به گونه‌ای دیگر می‌شد. و چنانکه تاریخ گواه است، انحراف خلافت از مسیر خود و بالاخره روی کار آمدن امویان و عباسیان، بزرگترین مانع در راه گسترش و توسعه اسلام شد. زیرا آنچه اینان از اسلام ارائه دادند، درست برخلاف راه راستین اسلام محمدی (ص) بود.
۴. هل، ی، الحضارة العربیة، صص ۲۳-۲۴
۵. مضمون این روایت و روایات بعدی را در منابع روایی فریقین مکرر می‌توان یافت.

مسجد

و غیرمسلمانان

حسن رهبری

از آنجایی که در ممنوعیت ورود کفار به مساجد، عموماً به نجاست ظاهری کفار استدلال شده است، جهت تبیین موضوع ابتدا ناگزیر از یادآوری دیدگاههایی در این باب هستیم.

معنای نجس

لغت شناسان واژه «نجس» را که در قرآن مجید یک بار و به مفهوم مصدری آمده است، چنین معنا کرده اند:

راغب آن را به معنای هر نوع پلیدی، اعم از آلودگی ظاهری و پلیدی باطنی آورده است.^۱

شیخ طبرسی آن را به هر چیز پلید که طبع انسان از آن تنفر دارد، معنا کرده است.^۲

در نظر ابن منظور، کثافات مربوط به انسان و هر چیز دیگر را نجس گویند.^۳

محقق همدانی متذکر می شود که کلمه نجس در زمان نزول آیه به معنای اصطلاحی فقهی دورانهای بعدی نبوده است. کلمه

نجس در آیه مزبور مانند رجس در آیات دیگر است که برای قمار، بی ایمانی، بیماری قلبی و عذاب استعمال شده است.^۴

۲. طهارت اهل کتاب از دیدگاه فقها

آن گونه که اشاره شد، علی رغم نظر اکثر فقهای شیعه مبنی بر نجاست اهل کتاب و لزوم اجتناب از آنان، عده ای از

طلایه داران فقه تشیع نیز همانند فقهای اهل سنت، به طهارتشان فتوا داده اند. «شیخ مفید در رساله العزیه، ابن عقیل، اسکافی، ابن الجنید، عمانی، شیخ طوسی در کتاب نهایی

از گذشتگان - و محقق اردبیلی، صاحب مدارک، صاحب مفاتیح و گروهی از معاصران چنین باوری دارند. فقیه

مشهور، آقا سید محسن حکیم که یکی از مراجع معاصر امامیه بود نیز به طهارت اهل کتاب فتوا داده است.^۵

بررسی حکم به نجاست مشرکین
«یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و ان خفتم عیلة فسوف ینحکم الله من فضله ان شاء ان الله علیم حکیم»^۱ (ای کسانی که ایمان آورده اید، مشرکان نجسند و از سال بعد نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند. و اگر از بینوایی می ترسید، خدا اگر بخواهد به فضل خویش بی نیازتان خواهد کرد، زیرا خدا دانا و حکیم است).

این آیه، تنها آیه ای است که به نجاست مشرکان و ممنوعیت ورود آنان به مسجد الحرام حکم کرده است. همچنین، این آیه از جمله آیات بحث برانگیزی است که مفسران و فقها در استنباط از آن، به نظریات مختلفی دست یازیده اند.

با عنایت به نوع دستیافته های فقیهان از این آیه و روایات وارده در این باب، می توان نظر فقها را در این باره به چند دسته تقسیم کرد:

۱. بیشتر فقهای امامیه به نجاست مشرکان و اهل کتاب، و حرمت ورود آنان به مساجد رأی داده اند.

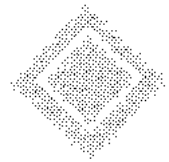
۲. گروه زیادی از فقهای عامه مشرکان را ناپاک، اما اهل کتاب را پاک دانسته اند، و فقط درباره ورود آنان به مسجد الحرام با دیگر مساجد اختلاف دارند.

۳. عده ای از فقهای امامیه، نجاست عینی مشرکان و طهارت اهل کتاب را از آیات و روایات استنباط کرده اند.

۴. دسته ای دیگر به پلیدی باطنی و اعتقادی اهل کتاب، و طهارت ظاهری آنان نظر داده اند.

۵. بعضی علی رغم باور داشت به نجاست عینی کفار، ورود آنان را به مساجد با اجازه امام مسلمانان جایز دانسته اند.

۶. نظر دیگری بر آن باور است که حتی حکم نجاست مشرکان مدرک اجماعی داشته، و خالی از تحقیق است.^۲



از فقهای حاضر نیز تعدادی به طهارت اهل کتاب معتقدند.^۸

علامه محمدتقی جعفری که در کتاب منابع فقه موضوع طهارت اهل کتاب را تحقیق کرده، بر این باور است که: «با نظر به مجموع ابواب فقهی که روابط اجتماعی کتابی و مسلمان را مطرح می‌سازد، طهارت اهل کتاب بسیار روشن است. پس، نتیجه نهایی این است که روایات مخالف یکی از دو مسئله زیر یا هر دو را منظور می‌کند:

یک: نجاسات عرضی است، که اهل کتاب اعتنائی بدانها ندارند.

دوم: منظور سیاسی - شرعی در میان است که آمیزش با آنان نباید طوری بوده باشد، که باعث گمراهی و تردید نفوس ضعیف اجتماع مسلمانان یا موجب سوء استفاده‌های دیگر بوده باشد. این گونه اجتنابها در هر دورانی، میان مکتبهای مخالف با اشکال گوناگون معقول بوده و رسمیت داشته است.^۹

ایشان معتقدند که حتی حکم به نجاست گروههای غیر اهل کتاب (مشرکان) نیز خالی از تحقیق بوده، و تنها از مدرک اجماع تبعیت شده است.^{۱۰}

ورود نامسلمانان به مساجد از دیدگاه دانشمندان اسلامی

ممنوعیت یا جواز ورود غیرمسلمانان در مکانهای مقدس، از جمله موضوعاتی است که - همانند نجاست و طهارت آنان - تاکنون مورد بحث و گفتگوی علما و مفسران بود و می‌باشد، و پس از گذشت صدها سال هنوز هم فصل الخطابی برای آنان به وجود نیامده است. در این بخش، نظریات برخی از علما برای روشن شدن موضوع آورده می‌شود.

زمخشری در توضیح دیدگاه فقهای عامه در این باره می‌نویسد: «وقد اختلف الفقهاء فی دخول الکفار للمسجد، فجزوه ابوحنیفه - رحمه الله - و لم یجوزه مالک و فرقی الشافعی بین المسجد الحرام و غیره»^{۱۱} (فقها در ورود کفار به مساجد اختلاف نظر دارند. ابوحنیفه جایز دانسته، مالک بدان اجازه نداده، و شافعی مابین مسجد الحرام و دیگر مساجد فرق قائل شده است).

شیخ الطائفه علی رغم اعتقاد به طهارت اهل کتاب، در کتاب نهایی^{۱۲} و در تفسیر آیه: «انما المشرکون نجس...» بدون استثنا کردن اهل کتاب می‌گوید: ظاهر آیه حکم می‌کند که کفار نجسند. و با این حال، امکان ندارد که ورود آنان به هیچ قسمتی از مساجد جایز باشد، برای اینکه شرکشان آنان را محکوم به نجاست کرده، به طوری که اجتناب از آن واجب است.^{۱۳}

شیخ در کتاب خلاف می‌فرماید: مشرکان برای ورود به مسجد الحرام یا دیگر مساجد، چه با اذن - از امام المسلمین یا

حاکم اسلامی - و چه بدون اذن از آن، مجاز نیستند.^{۱۴} اما در کتاب مبسوط از باب ضرورت، اسکان موقت آنان را در مساجد پذیرفته، و دلیل آن را جای دادن رسول خدا (ص) به اسیران بنی قریظه و بنی نضیر در مسجد آورده است. سپس با استدلال به اینکه صدور مجوز در این باره مربوط به قبل از نزول آیه مزبور بوده، ترك آن را احوط دانسته است.^{۱۵}

محقق حلی، صاحب شرائع و مرحوم علامه در قواعد، حکم به عدم جواز نموده‌اند. و شهید ثانی (ره) در مسالک بر این حکم، ادعای اجماع کرده است.^{۱۶}

صاحب مجمع البیان در ذکر اقوال چنین می‌نویسد: گفته شده است که مراد از آیه، منع آنان از ورود به مسجد الحرام در موسم حج و عمره بر اساس حکم حکومتی می‌باشد. و بعضی گفته‌اند که آنان از دخول به همه مساجد و همچنین از حضور در موسم حج و از وارد شدن به حرم نیز منع شده‌اند.^{۱۷}

مرحوم علامه طباطبائی نیز در تفسیر المیزان می‌نویسد: نهی از ورود مشرکان به مسجد الحرام به حسب فهم عرفی، امر به مؤمنان است به اینکه نگذارند مشرکان داخل مسجد شوند. و از اینکه حکم آیه تعلیل شده به اینکه، چون مشرکان نجسند، معلوم می‌شود یک نوع پلییدی برای مشرکان و نوعی طهارت و نزاهت برای مسجد الحرام اعتبار کرده است. و این اعتبار هر چه باشد، غیر از مسئله اجتناب از ملاقات کفار با رطوبت است.^{۱۸}

قرآن و ورود کفار به مساجد

تأملی در ظاهر آیه نجاست مشرکان، مسائلی چند را به ذهن متبادر می‌کند که فهرستوار آن را بر می‌شماریم.
الف: با توجه به عبارت: «یا ایها الذین آمنوا» در این آیه، اهل ایمان مورد خطاب قرار گرفته‌اند، و موضوع آن نیز درباره رفتار شناسی مشرکان است.

ب: ذکر عبارت: «انما المشرکون نجس» می‌رساند که آیه صرفاً در خصوص مشرکان است، و دلیلی بر فراگیری موضوع بر اهل کتاب دیده نمی‌شود.

ج: بنابر مفهوم نجس که تعریف آن بیامد، آیه برافشای پلییدی و فساد اعتقادی مشرکان اهتمام دارد.

د: عبارت: «انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام» بر ارتباط پلییدی مشرکان با جایز نبودن حضور مشرکان در مراسم حج دلالت دارد.

ه: عبارت: «فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا»، دستور جلوگیری از نزدیک شدن مشرکان به مسجد الحرام از سال آینده، و آن هم تنها در موسم حج و برای شرکت در مراسم حج را بیان می‌کند.

در تاریخ آمده است که مشرکان همه ساله در ایام حج، گرداگرد کعبه می‌آمدند، و هر طایفه‌ای از آنان در مقابل بت مخصوص خود - که در کعبه آویخته بودند - به کرنش و دعا می‌پرداختند. و چه بسا خود و زنانشان به طور برهنه مراسم

طواف و نماز را به جای می آوردند. ۱۹ به تأیید قرآن عظیم، نمازشان در کنار خانه خدا، جز صوت کشیدن و کف زدن چیز دیگری نبود: «و ما كان صلاتهم عندالبيت الامكء و تصديه» ۲۰ بدیهی است که چنین سنت خرافی مشرکان، صحت برگزاری مناسک حج را برای مسلمانان مشکل می نمود، و فرآیند آن چیزی جز آلودن فضای معنوی مراسم عبادی سیاسی حج و تخریب و انحراف فکری مسلمانان نبود.

به دلیل علمیت مسجد الحرام در ظاهر آیه و اشاره به تجارت هر ساله مسلمانان با مشرکان در موسم حج و در کنار مسجد الحرام، اطلاق حکم فقط به مسجد الحرام اختصاص دارد، در حالی که دیگر مساجد دارای این خصوصیت نبودند و نیستند.

نکات مستفاد از آیه نجاست مشرکان

علاوه بر مطالب فوق، با توجه به سیاق آیه و زمان نزول آن و همچنین مستندات تاریخی، می توان نکات دیگری را از آیه کریمه استخراج کرد.

۱. مشرکان در مقابل مسلمانان، همواره شرارت، پلیدی و عداوت دارند.

۲. مشرکان که از روحیه سلحشوری و معنوی مسلمانان دلتنگ بودند، با نفوذ در مقدس ترین مراسم عبادی و بانجام دادن مراسم شرك آلود و شهوت انگیز، قصد تخریب شعارها و شورهای معنوی مسلمانان را داشتند.

۳. سابقه دیرینه تجارت در کنار مسجد الحرام، حضور مشرکان داخلی و خارجی را در کنار آن خانه مقدس موجه می کرد.

۴. روابط اقتصادی و جلب منافع شخصی، موجب شده بود که پلیدی و عداوت مشرکان نسبت به مسلمانان فراموش شود؛ چنانکه در آیه آمده است: «انما المشركون نجس... و ان خفتم عيلة...»

۵. مشرکان علی رغم مذهب شرك آلود خود، مسجد الحرام را - به لحاظ اینکه بتها در آنجا نصب شده بودند - به دیده مقدس می نگریستند، و مراسمی را - هرچند خرافی - در آن انجام می دادند.

۶. مسلمانان مکه گذران معیشت خود را در گرو و تحمل فرهنگ و آداب مشرکان حتی در کنار کعبه می پنداشتند، و بر این اساس از انجام دادن هر گونه عملی که به قطع روابط اقتصادی با مشرکان بینجامد، شدیداً در واهمه بودند. لذا، خداوند متعال در این آیه ضمن بیان ضرورت قاطعیت در مقابل مشرکان، چنین پندارهای غیر توحیدی را برای چندمین بار تخطئه می کند، و هرگونه گشایش اقتصادی را به مشیت خداوندی و از جانب فیاض واجب الوجود مربوط می داند.

۷. آیه زمانی نازل شد که قدرت سیاسی جامعه جزیره العرب کاملاً تحت نفوذ حکومت اسلامی قرار گرفته بود.

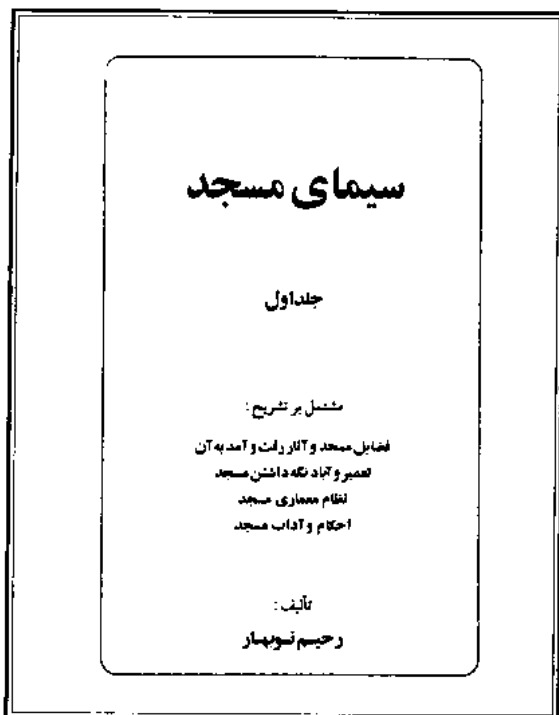
مطالب گفته شده، محصول تأملی در مضمون آیات و واقعتهای ثبت شده تاریخی است، که آیه شریفه به تناسب زمان نزول و موقعیت سیاسی و اجتماعی مسلمانان دستور اجرای آن را در موقعیت زمانی و موقعیتهای زمانی و مکانی مشابه صادر کرده است، و همواره باید نصب العین قرار گیرد.

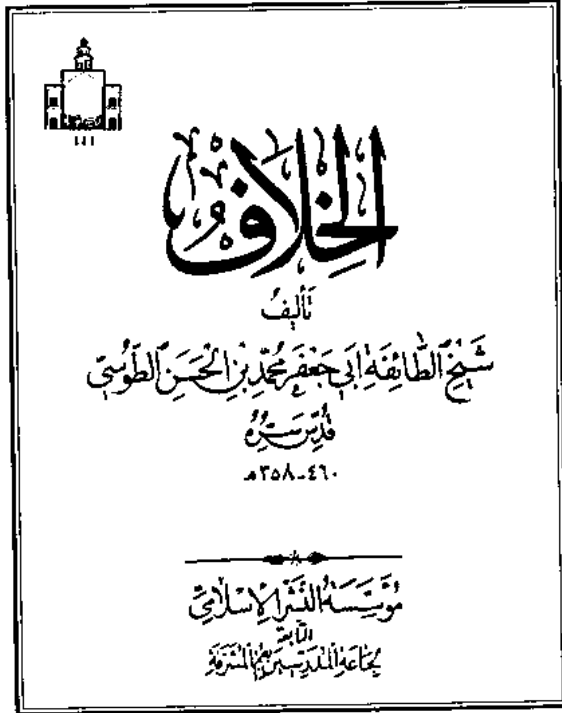
مقال را با این پرسش پی می گیریم، که آیا در موقعیت کنونی همان زمینه ها و شرایط مساوی و جاری است یا تفاوتی در آن به وجود آمده است؟

رسیدن به یک پاسخ قانع کننده، مستلزم تجزیه و تحلیل دیگری است که در اینجا بدان می پردازیم.

در صفحات پیش نظریات و ادله دانشمندان اسلامی را درباره نجاست و پلیدی کفار و مشرکان آوردیم، و به این نتیجه رسیدیم که منظور از نجاست، پلیدی باطنی و اعتقادی مشرکان است نه نجاست ظاهری آنان. و به احتمال قوی بازدارندگی قرآن مجید از ورود آنان به مسجد الحرام، ناشی از کینه توزی و دین ستیزی آنان، مراعات نکردن طهارت و آداب اسلامی، هتک حرمت و قداست کعبه، و بیش از همه قرار دادن آنان در انزوای سیاسی و اجتماعی بوده است؛ که در عصر نبوی (ص) چنین اختلاط فرهنگی و آن هم در محوطه بیت الله الحرام، به عنوان خطر جدی برای نهضت نوپای اسلامی محسوب می شد.

از طرفی، گذشت زمان تغییرات عمده ای در روابط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، بین ملل و نحل به وجود آورده است، که به هیچ وجه با گذشته قابل قیاس نیست. مواردی از این تغییر شرایط، در ذیل یادآوری می شود؟





شرایط زمانی، مکانی نزول آیه و موقعیت کنونی

۱. در عصر حضرت رسالت (ص)، مسلمانان و مشرکان در یک بافت شهری زندگی مشترک اجتماعی داشتند، و ادامه چنین روندی مسلمانان را در معرض تهاجم فرهنگ شیطانی قرار می داد. لذا، نزول آیات آغازین سوره توبه و صدور قطعنامه چهار ماده ای پیامبر (ص) ۲۱، به انزوای اجتماعی و سلب مصونیت مشرکانی که فاقد پیمان عدم تعرض با مسلمانان بودند، منجر شد. آنان در دو راهی اندیشه قبول اسلام یا مهاجرت از مکه مکرمه - ام القرای اسلامی - قرار گرفتند، و عاقبت در مهلت چهار ماهه که به آنان داده شده بود، اسلام را پذیرفتند.

پیامد این آیات و قطعنامه این شد که هنوز چهار ماه سپری نشده بود که مشرکان دسته دسته به یگانه پرستی رو آوردند، و در اواسط سال ۱۰ هـ. ق بت پرستی در شبه جزیره ریشه کن شد. ۲۲ بنابراین، به نظر می رسد مهمترین هدفی که اسلام دنبال می کرد، با نزول این آیه شریفه به آن دست یافت، و مکه معظمه به مرور زمان از لوٹ فرهنگ شیطانی حاکم پاکسازی شد.

۲. اگر در گذشته مشرکان نیز به انجام مراسم عبادی ویژه خود در کنار مسجد الحرام معتقد بودند و به صورت ناهنجار در حرم و طواف ظاهر می شدند، در حال حاضر نه آنان دارای چنین حالت بت پرستی و اعتقادی هستند و نه از لحاظ فرهنگ غالب امکان چنین تظاهری وجود دارد، بنابراین، چنین مسئله ای از دایره موضوعیت خارج شده است.

۳. عداوت و کینه توزی مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان نیز، به گونه ای دیگر تغییر یافته بود. آن روز بریدن از آیین و معتقدات سنتی و دیرینه جامعه ای و پیوستن به ادیان و مذاهب دیگر - هر چند سالم و صحیحتر -، جرم نابخشودنی محسوب می شد. و اگر فرایند چنین گرایشی به احساس تضعیف سیاسی و اجتماعی جامعه ای می انجامید، عکس العمل سردمداران و بزرگان آن جامعه در قبال برتافتگان از آیین اسطوره ای، بسیار شدت می گرفت.

اما شرایط کنونی، چنین وضعیتی را ایجاب نمی نماید. اغلب اجتماعات امروزی علی رغم حفظ اصول و پیروی از یک روند اعتقادی موروثی، ناگزیر از انعطاف پذیری در فروع می باشند. کم اندیشی و تحجرگرایی از دیدگاه ادیان امروزی محکوم است، و اختلاف عقیده ها و سلیقه ها به عنوان ضرورت فطری و فکری بشر، موضوع اثبات شده ای می نماید. امروزه، ادیان مختلف به سبب توسعه فرهنگ بین المللی، در کنار همدیگر به طور مسالمت آمیز به زندگی اجتماعی خود ادامه می دهند، و هر کدام معتقدات دیگری را به دیده احترام می نگرند. اگر تراژدی دولتهای استعماری و سیاستهای: «تفرقه بینداز و حکومت کن» نباشد، بعید می نماید که اجتماعات بشری

در حال حاضر با حربه دین همدیگر را مورد تاخت و تاز قرار دهند، و به نام دین به نسل کشی و پاکسازی نژادی بپردازند. فرمایش قرآن حقیقتی انکارناپذیر است که: مشرکان پلیسند. آری، طهارت و سلامت فکری همواره از انعکاس دریافتها و جهان بینی انسانی نشئت می گیرد؛ و چه بسا فطرتها را می آید. آنان که از جهان بینی مادی فراتر نتوانند رفت، خارج از محدودیتها و قوانین حاکم بر طبیعت و فطرت نمی توانند گام بردارند، و هیچ خشک و تری را از هم نمی شناسند. بنابراین، باید مواظب اوضاع بود که هر وقت شرایطی به وجود آوردند تا مقدسات و محرمات دین مبین اسلام در تیررس مشرکان و اسلام ستیزان قرار گیرد، توجه به این دستور الهی جلب شود که: «انما المشركون نجس فلا یقرءوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا...». و در این مسیر، نباید روابط بازرگانی با مشرکان و نگرانی از تنگناهای اقتصادی آینده، مسلمانان را از چنین اقدامی باز دارد.

اما، جای بسی تأسف است که در عصر حاضر نگاه صوری و تک بعدی به دین و قوانین دینی از جانب اکثر کشورهای اسلامی بویژه کشور حجاز، این امکان را به سران کفر و شرک داده است که با نعل وارونه در حرمین شریفین وارد شوند، با شگردهای استعماری والاترین مکان مقدس اسلامی را در قبضه قدرت و سیاستهای خود داشته باشند، از فلاخن شرک مسلمانان را هدف سنگهای مذلت قرار دهند، و از بلندترین مناره توحید اذان شرک سردهند.

آری، زمانی که نوامیس و ستهای دینی با شاغول واقعیتها اندازه گیری نشود و آیه ای با این صراحت، ظرافت و عظمت

درباریکه هویت‌شناسی تعدادی «توریسم» که با هدفی سالم و به قصد بازدیدهای علمی، فرهنگی، تاریخی، باستان‌شناسی، معماریهای اسلامی و غیره راهی مکه، مدینه و دیگر مساجد و اماکن مقدسه شده‌اند و می‌شوند خلاصه گردد، استعمار کهنه‌کار بهترین و راحت‌ترین راه را آنچنان بر می‌گزیند، که ناگزیر مسلمان در ورود به مسجدالحرام و در چگونگی انجام دادن مراسم عبادی و سیاسی حج و اعلام براءت و ... باید رخصت مشرکان را بطلبند.

انجماد فکری و فرهنگی حاکم بر کشورهای اسلامی و نبود ژرفنگری و تدبیر در آیات قرآنی بقدری حلقه‌های علمی مسلمانان را سطحی‌نگر کرد، به طوری که مسلمان تکلیف خود را این می‌داند که از هویت، شناسنامه و گذرنامه واردشوندگان در حریم حرم بازخواست و تفتیش کند و در صورت مشاهده ملیت‌های خارج از اسلام از ورود آنان به حرم جلوگیری نماید. در حالی که کعبه خانه امن همگان و مایه هدایت جهانیان است، و مسلمان و غیر مسلمان را در آن استثنایی نیست: «ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركاً وهدى للعالمين و فيه آيات بينات مقام ابراهيم و من دخله كان آمناً...» ۲۳.

اگر مجال مناقشه باشد، جای آن دارد که گفته شود این آیات را آیه: «انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام...» استثنا زده و نسخ کرده است. آری، شاید چنین باشد، ولی باید شرایط و بایدها را بدقت نگریم؛ آن هم نه در مقابل افراد مشرک، بلکه در مقابل روح حاکم شرک آلود بر مسجدالحرام (بلد الامین) و شهر پیامبر(ص)؛ استیلاي شرکی که نه هویت آن را می‌توان شناخت و نه جنسیت و ملیتش را می‌توان دید.

با این حال باید، آیه را دوباره خواند و دوباره پیامگیری و پیامخوانی کرد. باید اذعان کرد که مسلمانان در مقابل این خطاب قرآنی، آنچنان متحجرانه و با سکوت رفتار کرده‌اند که آب از سرگذشته و سیاست، اقتصاد و مدیریت مسجدالحرام و غیرحرامش در دست در اختیار مشرکان و هزار مرتبه بدتر از مشرکان قرار گرفته است.

ورود کفار و اهل کتاب به مساجد در عصر نبوی(ص)

واقعیت‌های تاریخی دوران رسالت نشان می‌دهد که پیامبر(ص) نه تنها به انزوای سیاسی مدینه راضی نبودند، بلکه به دلیل صدور و گسترش آیین حیات بخش اسلام، ارتباط با اقوام و ملل خارج از مدینه را در سرلوحه سیاست‌های خارجی خویش قرار دادند.

رخداد حدود ۸۳ غزوه و سریه و اعزام و قبول مداوم هیئتهای نمایندگی سیاسی، بر اهمیت و گستردگی این روابط در تاریخ اسلام دلالت دارد.

براین اساس، بررسی چگونگی برخورد پیامبر(ص) با «وفد»ها (هیئتهای نمایندگی قبایل و دولتهای مختلف)، می‌تواند ما را در نیل به دیدگاه اسلامی در این باره مدد رساند.

از سال ۵هـ. ق به موازات گسترش افکار اسلامی و تثبیت حاکمیت سیاسی اسلام، نمایندگانی از طرف قبیله‌های مختلف برای بررسی اوضاع و ملاقات و مذاکره با شخص پیامبر(ص)، به مدینه رهسپار می‌شدند. روند این اوضاع پس از سال ۷هـ. ق که مصادف با تشدید فعالیت‌های جنگی و ارسال نامه پیامبر(ص) به سران کشورهای جهان بود، شتاب بیشتری گرفت.

در حالی که قدرت اسلام در سال ۹هـ. ق بر سراسر جزیره العرب سایه افکنده و گستره نفوذ آن تا پشت دیوارهای کشور بزرگ روم رسیده بود، ورود شخصیت‌ها و نمایندگان قبایل و دولتهای مختلف به مدینه النبی، به حدی رسید^{۲۴} که تاریخ سال ۹هـ. ق را «سنة الوفود»^{۲۵} نامگذاری کرد.

پیامبر خدا(ص) همه فرستادگان و میهمانان خارجی را - که اهل کتاب، بت پرست، آتش پرست و غیر آنان را در برمی گرفت - در مسجد مدینه و کنار ستونی که به «اسطوانة الوفود» (ستون میهمانان خارجی) مشهور بود به حضور می‌پذیرفتند، و با هم به مذاکره و گفتگو می‌پرداختند.

فرستادگان در مدت اقامت خود در مدینه، به دستور پیامبر(ص) در خانه یکی از انصار می‌ماندند و پذیرایی می‌شدند. اکنون به عنوان نمونه، به اختصار ماجرای سه پیمان اشاره می‌شود:

۱. ابن هشام در سیره خود می‌نویسد: در سال ۹هـ. ق - پس از جنگ تبوک - نمایندگان بنی تمیم وارد مدینه و مسجد پیامبر شدند. هنگام ورود، بزرگان بنی تمیم پیامبر(ص) را از پشت دیوار خانه‌ای صدا زدند و گفتند: ای محمد! به نزد ما بیا.

پیامبر(ص) علی‌رغم ناراحتی از نحوه صدا زدنشان، آنان را به حضور پذیرفت. آنان گفتند: یا محمد! آمدیم مفاخره کنیم. به شاعر و سخنگوی ما اجازه بده تا سخن بگویم. پیامبر(ص) اجازه داد. عطارد بن حاجب برخاست و مطالبی را در شأن و فضایل قومش بیان داشت.

سپس، پیامبر(ص) طبق درخواست آنان، به ثابت بن قیس دستور دادند تا سخنان عطارد را پاسخ گوید. او نیز برخاست و سخنانی در فضیلت مسلمانان بیان کرد.

بعد از اتمام سخنان ثابت، زبرقان، شاعر بنی تمیم، شعری در باب مفاخره قومش خواند. حسان در این مجلس غایب بود. پیامبر(ص) او را برای پاسخگویی به این شاعر فراخواند. حسان آمد و در رد شعر زبرقان، اشعار زیبایی سرود؛ به گونه‌ای که پس از پایان شعر حسان بن ثابت، بزرگان آن قوم به بلاغت و فصاحت سخنگو و شاعر پیامبر(ص) اعتراف کردند و عاقبت اسلام آوردند. پیامبر(ص) جوایز نفیسی به آنان اهدا کرد.^{۲۶}

۲. واقعی در کتاب مغازی می‌نویسد: در رمضان سال ۹هـ. ق، نمایندگان قبیله ثقیف، برای مذاکره با پیامبر(ص) به مدینه آمدند. آنان پس از فراگیری عرف ملاقات از مغیره بن شعبه - که هم قبیله آنان بود - وارد مسجد پیامبر(ص) شدند، اما در سلام کردن از روش مشرکان پیروی کردند و گفتند: روزت

چون با این شیوه سلام کردند. و وارد مسجد شدند، مسلمانان گفتند: ای رسول خدا(ص) آیا ایشان که مشرکند، می توانند وارد مسجد شوند؟

پیامبر(ص) فرمودند: زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی کند ...

آنان مدتی در خانه مغیره بودند، و به مسجد هم رفت و آمد می کردند. پیامبر(ص) نیز مقرر کرده بودند که از آنان در خانه مغیره پذیرایی بشود.^{۲۷}

بنا به نوشته ابن هشام، پیامبر(ص) دستور دادند تا خیمه ای در مسجد برای آنان برپا کردند، خالد بن سعید بن عاص هم مأمور پذیرایی از آنان شد.^{۲۸}

در سال ۱۰ هـ. ق ۲۹ پس از اینکه پیامبر خدا(ص) طی نامه ای اسقف نجران را به آیین اسلام فراخواندند، ۶۰ نفر از دانایان و خبرگان مردم نجران برای بررسی دلایل نبوت پیامبر(ص) عازم مدینه شدند. هیئت نمایندگی نجران در مسجد مدینه شرفیاب محضر پیامبر شدند، و سلام کردند. پیامبر(ص) با احترام خاص سلام آنان را پاسخ داد، و برخی از هدایایی را که برای وی آورده بودند، پذیرفت. نمایندگان پیش از آنکه وارد مذاکره شوند، اظهار کردند که وقت نماز آنان فرارسیده است، پیامبر(ص) اجازه داد که نمازهای خود را در مسجد مدینه در حالی که رو به مشرق ایستاده بودند، بخوانند.^{۳۰}

این گونه نمونه ها، چگونگی برخورد پیامبر(ص) و مسلمانان را با هیئتها کاملاً مشخص می نماید، و نکات ظریفی را بیان می کند، که از آن جمله اند:

الف: پیامبر خدا(ص) میهمانان خارجی را در مسجد به حضور می پذیرفتند، حتی به عبادت آنان به سبک خودشان در مسجد اجازه می دهند.

ب: از میهمانان در خانه یکی از اصحاب به تشخیص پیامبر(ص) پذیرایی می شود، بدون اینکه مسلمانان از هم سفره شدن و رفت و آمد با آنان در داخل و خارج خانه، رنجی در صفحات تاریخ از خود به یادگار گذارند.

ج: پیامبر اکرم(ص) - شاید به علت آماده نبودن بعضی از خانه های اصحاب برای پذیرایی - با دستور برافراشتن خیمه ای در گوشه مسجد، میهمانان را اسکان می دهند.

احتمال دارد این اشکال پیش آید که گرچه پیامبر(ص) با فرستادگان و نمایندگان چنین رفتاری داشتند و آنان را در مسجد به حضور می پذیرفتند، ولی این روش به قبل از نزول سوره توبه و آیه مورد نظر مربوط بوده است؟

این مطلب، ایرادی است که بعضی از علما و مفسران در این باره اظهار داشته اند. اما در مقام تحقیق، چنین نتیجه ای را نمی توان اخذ کرد، که دلایل آن به قرار ذیل بیان می شود:

۱. اگرچه سوره توبه در سال ۹ هـ. ق نازل شد، اما عملاً مانع

از پذیرش فرستادگان مکاتب مختلف از جانب پیامبر خدا(ص) در مسجد نگردید. در تاریخ آمده است که تا اوایل سال ۱۱ هـ. ق آمدن هیئتهای سیاسی و مذهبی به حضور پیامبر(ص) تداوم داشته است، که بدان اشاره می شود:

- اوایل سال ۱۰ هـ. ق: آمدن هیئت نمایندگی نصرانیان نجران، که به مباحله انجامید.

- اوایل سال ۱۰ هـ. ق: فیروز دیلمی به مدینه آمد و ایرانیان یمن اسلام آوردند.

- صفر سال ۱۰ هـ. ق: آمدن هیئت عروه بن عمرو جذامی، که از طرف روم حاکم معان بود.

- ربیع الثانی ۱۰ هـ. ق: ورود هیئت نمایندگی غامد، که قبیله ای از آزد یمن بود.

- ذی حجه ۱۰ هـ. ق: هیئت نمایندگی محارب به مدینه آمد.

- نیمه محرم ۱۱ هـ. ق: آمدن هیئات نمایندگی نَمْع، که

قبیله ای از یمن بود، و آخرین وفد به شمار می آمد.^{۳۱}

۲. حضرت علی(ع) پس از نزول سوره توبه مأمور شد که

برای اعلان پیام قرآن و قطعه نامه صادره از طرف پیامبر(ص) در

مراسم حج، عازم مکه شود و این مهم را انجام دهد. آن

حضرت(ع) ضمن بازگویی آیات مربوط به برائت، در روز عید

قربان پیامبر رسول خدا(ص) را نیز به گوش عموم حجاج

رساند. این پیام یا قطعه نامه، حاوی مطلبی است که بیان قرآن

کریم را درباره معنویت ورود مشرکان در مسجد الحرام عیناً

تشریح می نماید. آن دستور چنین است: «فلم یحج بعد ذلک

العام مشرک، ولم یطف بالبيت عریان»^{۳۲} (نباید بعد از امسال

مشرکی در مراسم حج شرکت کند، و نباید به طور برهنه در

کعبه طواف نماید).

ج: در شرح حال نمایندگان بنی ثقیف آمده بود که برای

مسلمانان سؤال جدیدی مطرح شد، که درباره فرستادگان پیشین

مطرح نبود. مسلمانان زمانی که مشاهده می کنند رسول

خدا(ص) مشرکان را در مسجد به حضور پذیرفته است،

می پرسند: یا رسول الله(ص)!! ایشان که مشرکند، می توانند وارد

مسجد شوند؟

پیامبر(ص) در جواب می فرماید: زمین پاک است و چیزی آن

را نجس نمی کند.

از نحوه سؤال معلوم می شود که سوره توبه یا حداقل آیات

مربوط به نحوه رفتار با مشرکان و آیه مورد بحث در این

مقال، حدود نیمه سال ۹ هـ. ق نازل شد، و در ذی قعدة همان

سال حضرت علی(ع) مأمور اعلام آن در مراسم حج گردید.

از طرفی، در اصول اسلامی قول، فعل و تقریر پیامبر(ص)

حجت محسوب می شود. در اینجا پیامبر(ص) فعلاً و قولاً نشان

می دهند، که آیه فقط مسجد الحرام را دربرمی گیرد.

بنابراین، می توان استدلال کرد که عمل رسول خدا(ص) در

پذیرش نمایندگان در مسجد، منحصر به قبل از نزول سوره توبه

نیوده است، بلکه بعد از نزول این سوره نیز تغییر رفتاری در این باره از پیامبر(ص) مشاهده نمی شود.

نتیجه

با توضیحاتی که در این مقال گذشت، به این نتیجه می توان دست یافت که آیه: «انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا...»، صرفاً به ممنوعیت شرکت بت پرستان عربستان در مراسم سالیانه حج و طواف آنان در مقابل بت‌های آویخته بر بام کعبه اشاره می نماید. آیه بدین وسیله می خواهد ضمن برجیدن مظاهر شرك و بت پرستی از حریم ام القریای اسلام، مشرکان را به ترك اعمال و افکار خرافی و انقیاد و تسلیم در مقابل منطق راستین آیین یکتاپرستی وادار نماید.

این نتیجه، همان نظر صاحب مجمع البیان می باشد که گفته است: مراد از آیه، منع آنان از ورود در مسجدالحرام در موسم حج و عمره بر اساس حکم حکومتی می باشد. بر این اساس، تعمیم آن به کلیه مساجد و همه زمانها خارج از دایره تحقیق است، و بررسی محققانه فقها و اهل فن را در این مسئله می طلبد.

متأسفانه، تا به حال اعلام نظرهای اجماعی در این خصوص تا آنجا گسترش یافته، که حتی ورود اهل کتاب نیز به مساجد - هر چند برای شنیدن پیام و حیاتی قرآن و ایجاد زمینه های تبلیغی در آنها - از موضع مخالفت برخوردار شده، و در پریش از جواز و عدم جواز ورود اهل کتاب به مساجد مسلمانان به منظور شرکت در جلسات دینی، وعظ و خطابه، چنین پاسخ داده شده است: ورود مطلق کفار حتی اهل ذمه به مساجد جایز نیست.^{۳۳} با این وصف، معلوم نیست که در مقام تبلیغ حقایق اسلامی و نمایاندن واقعیتها و معنویات برآمده از تعالیم اسلامی، چه باید کرد؟

اگر اسلام از آن همگان است و پیام تبلیغی اسلام نیز در مساجد ظنین انداز می باشد، پس چنین برداشتی مساوی با انحصار دین اسلام در نسل اسلامیان است.

آیا آثار و مظاهر جذاب و چشمگیر هنر و معماری اسلامی که در جای جای مساجد مسلمانان تجلی پیدا کرده و در مقابل فرق غیراسلامی مایه مباهات است، به خود مسلمانان اختصاص دارد؟

آیا بازدید، عکسبرداری، فیلمبرداری سیاحان و خبرنگاران غیر اسلامی و... که می تواند بازتاب عمیقی در وجدانهای آگاه و سالم جهانی داشته باشد، سهلترین راه تبلیغ مظاهر اسلامی است، و موجب جلب منافع مادی و معنوی نیز برای حکومتهای اسلامی می گردد، ممنوعیت از طرف اسلام است یا برداشتهای اجماعی؟

اگر دستور و نص صریح اسلام است، آن را سمعاً و طاعة، باید پذیرفت. اما اگر در استخراج و استدراك پیام قرآنی

مسامحت به کار رفته است، بعد از این دیگر نشاید و از جانب فرزندان آگاه به زمان نباید، چنین روندی پی گرفته شود.

تا این اواخر، محور نظرات عموم فقها برای مدار می چرخید. و اگر نبود شجاعت و جسارت فقهی امام خمینی(ره) و اعلام این اصل که: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند»، باز معلوم نبود که این چرخه دوار کی و در کجا از حرکت اجماعی خود باز می ایستاد، و تا آن وقت چه مسائلی دامنگیر اسلام و مسلمانان می شد.

امام خمینی(ره) توانستند نقطه عطفی در تاریخ فقه جعفری پدید آورند، و پویایی اسلام اصیل را به اثبات برسانند. ایشان در اواخر عمر شریف خود و از رهگذر پیوند با عالی ترین منصب حکومت اسلامی، توانستند درباره چندین موضوع بصراحت نظر دهند.

از جمله نظرات امام(ره)، بحثی است که در این مقال بدان پرداخته شد، که در سؤال و جوابی به شرح ذیل آمده است:

- چه می فرمایید راجع به داخل شدن یهودی در مسجد مسلمانان، آیا جایز است یا خیر؟

- اگر موجب هتک یا تلویث مسجد نباشد، مانع ندارد.^{۳۴} بنابراین فتوا، در صورتی که ورود اهل کتاب به مساجد توأم با رعایت عرف جامعه اسلامی بوده باشد، مسلمانان در جلوگیری از ورود آنان به مساجد، تکلیفی ندارند. اما اگر رفتارشان خلاف این شده، نه تنها یهودی و اهل کتاب، بلکه مسلمان نیز در صورت هتک احترام مسجد، از ورود به مسجد منع شده اند.

پانوشتها:

۱. توبه/۲۸

۲. ر.ک: جعفری، محمدتقی، منابع فقه، نشر انتشار، ۱۳۴۶، ص ۳۵

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، دارالکتاب العربی، ص ۵۰۳

۴. طبرسی، مجمع البیان، دارالمعرقه، بیروت، ج ۵، ص ۳۲

۵. ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزة، ج ۶، ص ۲۲۶

۶. منابع فقه، جعفری، محمدتقی، ص ۶

۷. همان، ص ۱۶

۸. ر.ک: رساله عملیه آیت الله فاضل لنکرانی

۹. منابع فقه، ص ۲۶

۱۰. همان، ص ۳۱ و ۳۵

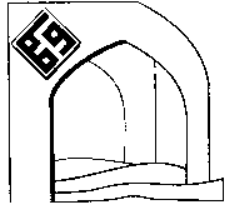
۱۱. زمخشری، تفسیر الکشاف، نشر ادب الحوزة، ج ۱، ص ۱۸۰ و ج ۲، ص ۲۶۱

۱۲. منابع فقه، ص ۱۶

۱۳. شیخ طوسی، تبیان، چاپ نجف، ج ۵، ص ۲۰۱

۱۴. همو، خلاف، نشر اسلامی، ج ۱، ص ۵۱۸

۱۵. همو، مبسوط، ج ۲، ص ۴۶
۱۶. سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۰۷
۱۷. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۲
۱۸. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۵۶
۱۹. همان، ج ۱۷، صص ۲۵۰-۲۵۱
۲۰. انفال/ ۳۵
۲۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ج ۲، ص ۸۰۵
۲۲. همان، ص ۸۰۹
۲۳. آل عمران/ ۹۶-۹۷
۲۴. تاریخ، تعداد ۷۲ وفد را ضبط کرده است. ر. ک: آیتی، محمد
ابراهیم، تاریخ اسلام، ج ۴، صص ۶۵۰-۶۸۲
۲۵. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۰۵
۲۶. همان، ج ۴، صص ۲۰۶-۲۱۲
۲۷. واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۳،
صص ۷۳۳-۷۳۴
۲۸. السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۸۴
۲۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیرکبیر، ج ۲، تهران، ص ۷۱۳
۳۰. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۸۱۴، به نقل از سیره حلبی، ج ۳، ص ۲۳۹
۳۱. ر. ک: تاریخ قرآن، صص ۷۱۳-۷۱۴
۳۲. السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۹۱
۳۳. آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۵۲
۳۴. استفتانات منتشر نشده از امام خمینی - قدس سره - به نقل از
سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۱۱
- رهبری، حسن، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام
خمینی (س) نقش زمان و مکان در اجتهاد، مسائل
مستحدثه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)،
۱۳۷۴، ج ۱۳، صص ۹۹-۱۲۲



● استاد محمد مهریار در سال ۱۲۹۷ هـ.ش در یک خانواده اهل علم و ادب (خانداُن نجفی اصفهان) متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدارس قدیم اصفهان به پایان برد. سپس به عراق مسافرت کرد و در نجف و بغداد مدت مدیدی نزد استادان آن دیار به کسب معارف اسلامی پرداخت، پس از بازگشت به اصفهان ضمن ادامه تحصیل فقه و اصول و فلسفه و ادب، دانش‌های جدید را نیز بی‌گرفت و پس از اخذ درجه لیسانس به تدریس مواد مختلف درسی پرداخت و همواره از دبیران صاحب‌نظر و مشهور شمرده شده است. استاد هیچ‌گاه از تحقیق و تتبع در موضوعات مختلف علمی فارغ نبوده و اندوخته‌های علمی فراوان دارد و بی‌به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و عربی تسلط دارد و به خوبی از این زبانها ترجمه می‌کند؛ افزون بر این به زبانهای پهلوی و اوستایی آشنایی کامل دارد، علاوه بر مقالات چاپ شده بسیار در مجلات و روزنامه‌ها، کتابهای چندی از وی به چاپ رسیده است؛ از جمله: چشم‌انداز تاریخ سیاسی

معرفی محبت‌تاریخی مسجد ساروتقی و مدرسه شقه‌الاسلام

ورقات آن

محمد مهریار*

و اخیراً در اصفهان تخریب و نابود شد). وقتی که ایرانی برای موقوفات خودش ارج و قدر قایل است و برای استکتاب کتب خطی هم ارج و قدر قایل است، این نشانه همین روح عظمت و بزرگی و خدمت در سرتاسر مملکت است که در همه وقت رایج بوده است. باز اگر بخواهیم آثار مشهود را به عنوان گواه و دلیل این روح و جلوه عالی آن نمونه بی‌ساوریم در اطراف کاشور، هزاران پل، گردنه‌های گشادشده، راههای کاروان‌رو، آب‌انبارها، مساجد، معابد و حسینیه‌ها وجود دارد که، نشان این روح و علاقه خدمت به عامه است، و دولتی هم نبود که این امور را به انجام رساند. این روح و علاقه همه جا بوده، همه وقت بوده، و متأسفانه در زمان حاضر کمتر است، که آن هم به علت وجود و بدید آمدن سنت‌های سیئه‌ای است که سبب شده گروههایی از مردم ایران به جای خیراندیشی به خودشان پردازند؛ یعنی دیگر نه می‌خورند و نه می‌بخشند، بلکه ضایع می‌کنند و به جمع‌آوری اموال بازگشته‌اند. عامل بزرگ این سنت سیئه، فروش موقوفات بود که از روزگار رضاخان شروع شد و همچنان

ابن بطوطه، رحالة (= جهانگرد) بزرگ مراکشی، که در ۷۲۵ هـ.ق سفر خود را به سوی ایران و ترکستان و بسیاری مکان‌های دیگر آغاز کرده است، وقتی به ایران می‌رسد، می‌گوید: در تمام مدتی که در ایران حرکت می‌کردم در خانقاه‌ها می‌زیستم، از جمله در خانقاهی در اصفهان که مدتی در آن به سر می‌بردم برای صادر و وارد، طعام و خدمت و سفره بود. عبارت عربی که آورده، این است که «فیها الطعام للوارد والصادر». وقتی قومی این‌گونه باشند که از هر صادر و واردی به انواع مختلف پذیرایی کنند، پیداست که روح اینان چقدر بزرگ است. وقف هم یکی از نشانه‌های این بزرگی روح است. سال‌ها پیش که مجموعه‌ای از اوقاف را جمع‌آوری می‌کردم می‌دیدم که کثرت اوقاف و رقبات وقفی به حدی چشم‌گیر است که انسان به شگفت می‌آید. به راستی ایرانی هیچ چیزی را از کوچک و بزرگ باقی نگذاشته که بر آن وقفی نیاورده است. به خاطر دارم که اسناد موقوفه‌ای را می‌دیدم که وقف است بر استکتاب کتب خطی (این موقوفه همین حمام خسروآقا است که جزو آثار تاریخی بود



بداریم. اینک بپردازیم به معرفی این اثر تاریخی و این مدرسه عالی و ارزشمند:

مسجد ساروتقی و بانی آن

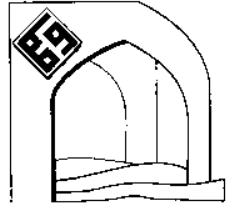
در بازارچه ای موسوم به حسن آباد^۵ که گویا منسوب است به «حسن بیک آق قویونلو» معروف به «اوزون حسن»^۶ مدرسه ای هست به نام مدرسه مرحوم حاج شیخ محمدعلی ثقة الاسلام.

همچنین یک اثر تاریخی در همین بازارچه هست به نام مسجد «ساروتقی»^۷ که در تداول عامه اصفهانی به آن «سالتقی» می گویند؛ علتش هم این است که در همه ایران تمایلی هست برای تبدیل حرف «ر» به «لام»؛ ایرانیان معمولاً به جای «ر» خوش دارند «لام» به کار برند، و اگر به گذشته بازگردیم، می بینیم که در شیوه خط پهلوی این دو حرف هر دو یک علامت دارند، به همین جهت است که در اطراف ایران هم «لام» و «ر» را به هم قابل تبدیل می شمارند؛ به عنوان نمونه بعضی «دیوار» و بعضی «دیفال» می گویند؛ از این رو «ساروتقی» تبدیل به «سالوتقی» و بعد «سالتقی» شده است. کلمه «سارو» ترکی و به معنی «زرد» است، پس «ساروتقی» به معنی «تقی زرده» است. این مرد یکی از مردان بزرگ این آب و خاک است و داستانی شگفت در مورد زندگی او نقل کرده اند؛ می گویند شاه عباس بزرگ این مرد را در حالت چوپانی یافت و هنگام گفتگو با وی درک کرد که در وی گوهری از هوش و فطانت می درخشد، از این رو او را به خدمت خویش گرفت و به جهت همان استعداد و توانایی، آمد و آمد تا ناظر مازندران شد؛ «ناظر» در عهد صفوی برای رسیدگی به امور داری و مالیات های دولتی سمت بزرگی بوده است. ساروتقی وزیر مازندران شد، یعنی کسی که همه داری های شاه و دولت در مازندران در اختیار او بود، و باز می گویند با آنکه خیلی صحیح العمل و پاک و درست کار بود، او را متهم کردند که در اموال دولتی حیف و میلی کرده است. شاه شخصاً برای رسیدگی به موضوع به خانه اش رفت و او همه جا را نشان داد؛ جز یک جا را که درش را بسته بود، به شاه اصرار کرد که اینجا را بگذارید بسته بماند و تفتیش نکنید؛ همین امتناع از گشودن در این مکان سبب شد که شاه بر پافشاری خودش بیفزاید و گفت حتماً باید باز شود، وقتی در را باز کردند در آنجا یک چوب دستی و نمد چوپانی دیدند، شاه گفت اینجا را چرا نگاه داشته ای؟ ساروتقی پاسخ داد این را برای روزی نگاه داشته ام که اگر مرا از خدمت معاف کردید و یا متهم شدم، برگردم به خدمت چوپانی! به هر صورت این

ادامه پیدا کرد تا در دوره محمدرضا شاه مخلوع به حداعلا رسید. فروش موقوفه، تضاد معنایی با خودش دارد؛ اگر دولتی می گوید که من برای خیر عامه قانون وضع می کنم، موقوفات هم برای خیر عامه است، دیگر چرا باید آن را تغییر داد؟ خیر عامه این است که وقف را نگاه بدارند، نه اینکه از صورت اصلیش خارج کنند و بفروشند و آن را به صورت مال دریاورند. این سنت سیئه وقتی که عمومیت یافت، رعیت و متصدیان امر و دیگران را به موقوفه خواری تشویق می کند. آن که موقوفه را خرید و خورد، حرام خورد و نسل خود را خراب کرد و آن کس که به چنین سنت سیئه و زشتی کمک کرد، هر دو به جای خود استحقاق عقوبات اخروی را دارند. افزون بر این، این سنت سیئه سبب شد که مردم، کمتر به سمت وقف بروند. اگر بخواهیم نام و نشانی از این گونه موقوفات را که در اصفهان به این آفت و بلا دچار شده اند، به دست بدهم، بی اندازه است. من خود به یاد دارم که در کتابخانه مرحوم پدرم^۳ یک وقف نامه به شکل طومار بود که اگر آن را بازمی کردیم، شاید طول آن به ده متر می رسید؛ این وقف نامه مربوط به مدرسه مریم بیگم^۴ بود که باز بر اثر همین سنت سیئه در هنگام سلطنت رضاخان این مدرسه بزرگ را، که منسوب است به یکی از خاندان های محترم عهد صفوی، خراب کردند و آجرهایش را بردند و بعد هم مدرسه ای با خشت و چوب ساختند؛ این طومار به اندازه ای جلوه داشت که مقدار زیادی جواهر و الماس و یاقوت را واقف، وقف این مدرسه کرده بود و دامنه موقوفات آن، آن چنان توسعه داشت که در همان دوره جوانی به یاد دارم رباطاتی و دیه هایی در تبریز و قفقازیه وقف این مکان شریف شده بود (توجه شود که دامنه وقف چقدر وسعت داشته است) اینها که به صورت مقدمه آورده شد، همه حقایقی است که هیچ گاه نباید از نظر دور داشت. اگر از خود انسان صرف نظر کنیم که وجود و کالبدش در معرض نابودی است، اما از جلوه های روحش و جاودانگیش نمی توان گذشت و باید قبول کرد که وقف کردن و ایثار کردن و خدمت به عامه، جلوه روح ایرانی است و این را نباید از دست داد، همیشه هم آثار خیرش باقی است و همیشه مثل ستاره ای درخشان به ما چشمک می زند.

در این گفتار کوتاه می خواهیم به معرفی یک اثر تاریخی و بانی آن و همچنین یک مدرسه نمونه و برجسته علوم دینی و بانی آن بپردازیم. نشان دادن موقوفات و آثار گذشتگان صالح به حکم «اذکروا موتاکم بالخیر» یادگار نیکی از آنهاست و پاسداری و نگاهبانی از این سنت نیک، خود سنت دیگری است که باید آن را محفوظ

ایران؛ اصفهان در گذشته و حال؛ تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام؛ تأثیر و نفوذ عرب در ایران؛ قلمرو ایران در گذشته و حال (در تاریخ صفویه)؛ شاه دز کجاست؟ سقوط اصفهان؛ فرهنگ نام های روستا و دیه های کهن اصفهان؛ راه نو در سلامت روان و تن (ترجمه از انگلیسی) و هلال ماه نو (ترجمه). وی از سال ۱۳۳۰ هـ در دانشگاه های فلوریدا و شیکاگو در رشته تعلیم و تربیت به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و از ۱۳۳۶ هـ سندی به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده پزشکی مشغول خدمت بوده و از سال ۱۳۳۹ هـ شی به عنوان معاون و استاد دانشکده ادبیات اصفهان به تدریس پرداخته است. وی سندی را در دانشگاه لندن به تدریس زبانهای شرقی اشتغال داشته است. اسناد مهربار علاوه بر اندوخته های پژوهشی و علمی، شاعری تواناست. مثنوی «آخرین شب سقراط» او شهرت دارد. اخیراً ترجمه کتاب تاریخ اصفهان، از آثار حافظ ابونعمین را منتشر کرده اند.



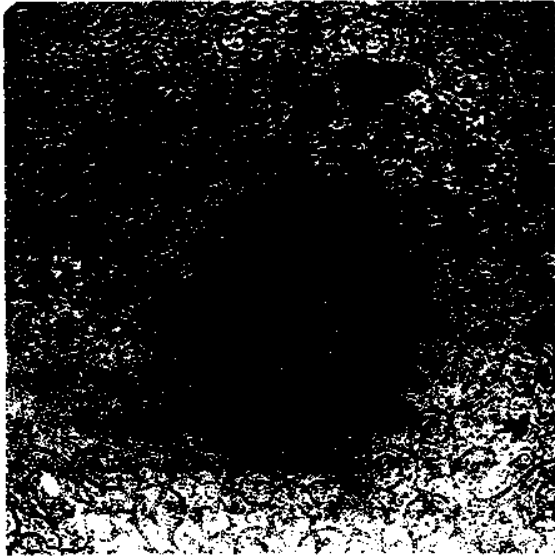
مرد بزرگ در وزارت اعظم مازندران باقی ماند تا سال ۱۰۳۸ هـ ق که شاه عباس درگذشت و شاه صفی او را ترقی داد و به سمت «اعتمادالدوله» گمارد؛ اعتمادالدوله سمتی بوده با اختیارات صدارت عظمی و نخست وزیری، پس از اینکه شاه صفی در ۱۰۵۲ هـ ق از دنیا رفت، شاه عباس دوم (حک: ۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ ق) او را به همان سمت نخست وزیری (یا به اصطلاح آن روزگار، اعتمادالدوله) باقی گذاشت و از آنجا که در حفظ اموال دولتی خیلی سخت گیر بود، دشمنان بسیاری پیدا کرد و این دشمنان سرانجام در خانه ای که در همین بازارچه داشت، ریختند و او را کشتند، که درباره خون او روایت ها هست که این خون در حوض مرمر در حوض خانه ای که در آنجا او را کشته بودند، ریخت و قاتل او کمی از آب خون آلود نوشید و گفت:

دمی آب خوردن پس بد سگال

به از عمر هفتاد و هشتاد سال

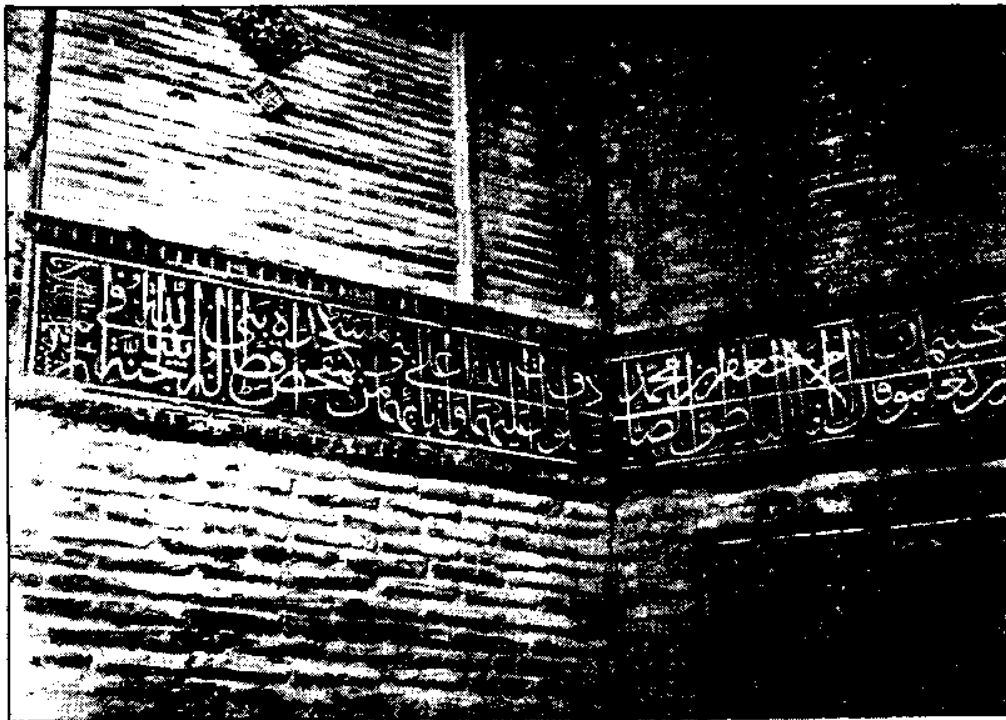
بعدها هم شاه عباس دوم که خیلی این وزیر را دوست داشت، قاتلان وی را مجازات کرد^۱.

از این مرد بزرگ چند اثر تاریخی در اصفهان باقی مانده است؛ از جمله کاروان سرائی در بازار بزرگ اصفهان که تا امروز هم نزد مردم به «سالتقی» معروف است. البته این بنا امروزه تغییر شکل بسیار یافته است^۲، و دیگر مسجدی که در بازارچه حسن آباد است و آن «مسجد ساروتقی» است؛ این مسجد هم به حکم همان خصوصیتی که درباره موقوفات نوشته آمد، دچار تغییرات بسیار شده است.



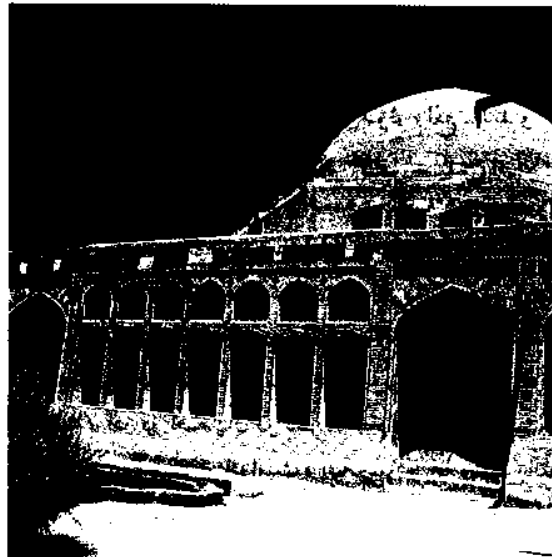
نمای داخلی گنبد منگب ساروتقی

سبک ساختن مساجد و معماری در عهد صفویه، مخصوصاً عهدی که ما از آن گفتگو می کنیم، به صورت «چهارایوانه» است؛ مثل مسجد زواره، مسجد اردستان، مسجد جامع، جامع عباسی در میدان نقش جهان. پادشاهان صفوی، معماران و مردم آن دوره علاقه داشتند که مساجد چهارایوانه باشند، انتساب مسجد چهارایوانه به سبک و دوره صفوی مسلم و معروف است^۳، (هر چند آغاز بنای آن را به دوره سلجوقی نسبت می دهند) از این رو چون بنای مسجد ساروتقی مقارن و مصادف با این دوره است، علی القاعده این هم باید چهارایوانه بوده باشد،



کلیه سردر مسجد کوچک ساروتقی به خط محمدرضا امامی

شبیبه به مسجد شیخ لطف الله است به کیفیتی که وقتی انسان به آن نگاه می‌کند، احساس آرامش و خوشنودی می‌کند. ویژگی دیگر آنکه، گویا بانی گنبد به خاطر مشکل مالی، داخل و طاق مسجد را به جای کاشی کاری، نقاشی کرده؛ نقاشی‌هایی با اسلیمی‌های بزرگ و کمابیش مُطَلَا، و همین نقاشی‌هاست که امروز در نظر ما بسیار جلوه دارد و لازم است حفظ شود. این نقاشی‌های زیبا متأسفانه چون روی گچ کشیده شده با مختصر نمی‌فرسوده و خراب می‌شود و به همین دلیل در معرض خطر است و باید حفظ شود. و اما اینکه در چه تاریخی گنبد ساخته شده است با قاطعیت نمی‌توان نظر داد^{۱۱}؛ کتیبه جلو سردر که اکنون باقی است در روبه روی صحن محقری است که البته بعید است صحن اولیه مسجد باشد و دست خوش تغییرات بسیاری شده است. بنابراین به تاریخ کتیبه نمی‌توان اعتماد کرد، در دور و بر گنبد هم تاریخی نیافتیم، ناگزیر باید گفت: چون این بنا در عهد پادشاهی شاه عباس دوم ساخته شده به حدود سالهای ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ هـ.ق برمی‌گردد^{۱۲}. به هر روی این بنا یکی از ابنیه زیبای صفوی است که خود قابل بحث و بررسی عمیق‌تر است. در اینجا لازم است از بازارچه‌ای که این مسجد در آن واقع شده است نیز سخنی بیاوریم؛ پیش‌تر آورده شد که بازارچه منسوب است به «حسن بیگ آق قویونلو» اکنون بر بالای قسمتی از این بازارچه که آجری و بسیار زیباست، سردری بادگیری شکل ساخته شده که از فرط چشم‌نوازی و زیبایی، خود آن را باید یک اثر هنری مستقل شمرد. اتفاقاً این بنای بادگیر مانند، در

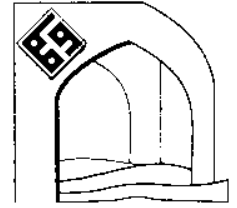


مدرسه نقه‌الاسلام و گنبد مسجد ساروقی

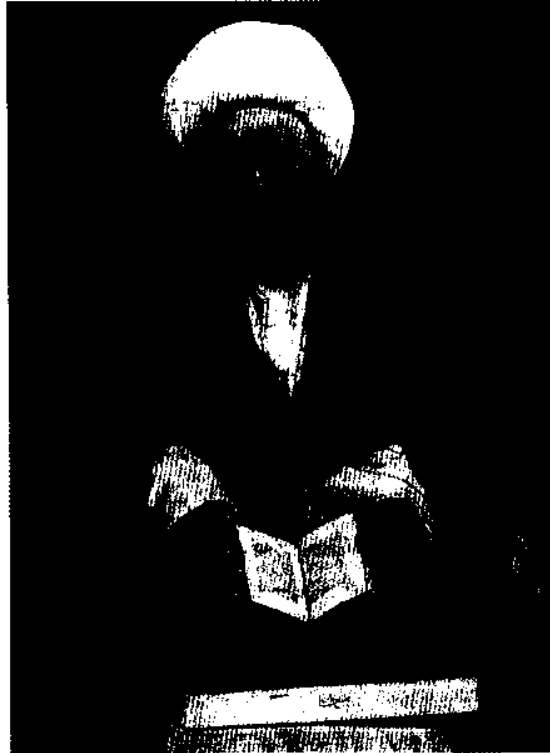
ولی متأسفانه از صحن جلو مسجد برای ما هیچ چیزی باقی نمانده و نمی‌دانیم چه اتفاقاتی در اینجا رخ داده است. بنابر قاعده باید این صحن در شمال گنبدی باشد که به زودی از آن یاد می‌شود، و دو ایوان هم این سو و آن سوی آن و یک ایوان بزرگ‌تر هم با عمق بیشتر در شمال آن باید بوده باشد شبیه مسجد شاه. از این اثر تاریخی همان‌گونه که گفته شد، چیزی باقی نمانده جز یک گنبد که البته این گنبد امتیازات بزرگی دارد؛ نخست آنکه ساخت این گنبد از نظر مجموعه عواملی که آن را به وجود آورده، یعنی پی‌های ضعیف و شکل معماری بازگوکننده چیزی



سمت راست عکس سردر بادگیری شکل بازارچه مقابل در ورودی مسجد ساروقی



مقابل در ورودی مسجد ساروتقی قرار دارد. در اینجا لازم است به سازمان محترم میراث فرهنگی توصیه کنم از این بازار غفلت نکنند و این سردر بادگیری شکل و این گنبد را تعمیر و بازسازی کنند. صحن محقر کنونی که پیش تر ذکر شد، صحنی است که تناسبی با شبستانی که از آن حقیرتر است، ندارد. دقیقاً در جنوب گنبدی که ذکر آن رفت در فضایی به مساحت تقریبی دوهزار مترمربع یک مدرسه علمیه بسیار زیبا بنا شده، که زیبایی این بنا از چند جهت قابل ذکر است. اینک کوشش می شود این جهات در طی این گفتار، رفته رفته ارائه گردد.^{۱۳}



مرحوم ثقة الاسلام

مدرسه ثقة الاسلام و بانی آن

پیش از آنکه به خصوصیات معماری و زیبایی مدرسه ثقة الاسلام بپردازیم، باید به این پرسش پاسخ گوئیم که بانی این مدرسه کیست؟ از علمای بزرگ اصفهان، سه برادرند که از مشاهیر دوران خود هستند: مرحوم حاج شیخ محمدتقی معروف به «آقانجفی» (۱۲۶۲-۱۳۳۲ هـ.ق)، و دیگر برادر دوم او موسوم به حاج شیخ محمدعلی ملقب به «ثقة الاسلام» که در سال ۱۳۱۸ هـ.ق از دنیا رفته، و سه دیگر مرحوم حاج آقا نورالله معروف به «عمادالاسلام» که از پیشوایان مشروطیت است و تا سال

۱۳۴۶ هـ.ق که طفیانی علیه رضاخان، حاکم وقت، کرد حیات داشت. این سه عالم بزرگ در حیات معنوی و علمی اصفهان عهد خودشان بسیار مؤثر واقع شدند و در چند واقعه، از اینها آثار قابل ذکر و خوبی در تاریخ ایران به یاد مانده است؛ نخست در واقعه دخانیه که مرحوم آقانجفی و حاج شیخ محمدعلی و حاج آقا نورالله، هر سه، مردم را از کشیدن توتون منع کردند و به نهضت مرحوم میرزای شیرازی، تا وقتی که رژی و انحصار دخانیه لغو شد، کمک کردند. خدمت بزرگ دیگری که از این سه برادر در اصفهان در ذهن تاریخ باقی مانده است، کمک به مشروطیت ایران است؛ آقانجفی و حاج آقانورالله خود از پیشوایان مشروطیت بودند. هم اینان پرورندگان امثال سیدجمال الدین و ملک المتکلمین^{۱۴} و سایر ناطقین مشروطیت بودند. مرحوم حاج شیخ محمدعلی و همچنین آن دو برادر دیگر، گذشته از این خدمات، گرمی خاصی به حوزه علمیه اصفهان که متفرق و متشتت شده بود؛ بخشیدند و در حقیقت به پشتوانه شخصیت علمی و معنوی خود، روحی تازه در کالبد هیأت علمیه دمیدند. مرحوم حاج شیخ محمدعلی از این هم جلوتر رفته است و خودش شخصاً از دارایی خودش این مدرسه را که ذکرش پیش تر رفت، بنیاد کرد و به همین جهت نیز به نام او یعنی «مدرسه مرحوم ثقة الاسلام» معروف شده است.

مرحوم حاج شیخ محمدعلی مدرسه خود را در بازارچه حسن آباد در سال ۱۳۱۷ هـ.ق به پایان رساند و بعدها بر حسب تصادف به علت استعمال بادام تلخ به جای روغن بادام شیرین مسموم شد و از جهان درگذشت. گذشته از آنچه گفتیم دانش و تقوی و اخلاق او قابل توجه بوده است؛ چندان که در شهر اصفهان با اینکه به مسائل قضائی و حقوقی و روابط خاصه افراد وارد نمی شد، مورد علاقه دوستان خاصی قرار گرفت و حتی پس از وفات نیز از مزایای اخلاقی و مکارم او داستانها بر سر زبانها بود. ظاهراً از جمله این دوستان مرحوم «نقاش باشی سمیرمی» است که بی شک با کمال الملک معاصر بوده و این دو به صورتی در سبک یک دیگر مؤثر بوده اند. وی تابلویی از مرحوم حاج شیخ محمدعلی نقاشی کرده است. این تابلو از تابلوهای ارزشمند و منحصر اوست که امروز با رقم خود او در اختیار نگارنده است. خصوصیت عالی سبک نقاشی او در تابلویی که از مرحوم حاج شیخ محمدعلی نقش زده، پیداست.^{۱۵}



بمواظقت علی الصلوة

تاریخ ۱۳۲۹/۱۰/۱۹
روز شنبه ۱۹ آبان ۱۳۲۹
الاصفهان

اعراضاً و تقصیراً عما فیها
والصمت علی ما ذکر فی المانی

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین
الطاهرات

و الصلوة الخیر

فرموده حضرت سید الشهدا علیه السلام که هر کس نماز را در هر روز بخواند...

بسیار سودمند است و هر کس نماز را در هر روز بخواند...

و هر کس نماز را در هر روز بخواند...

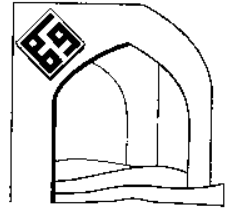
بسیار سودمند است و هر کس نماز را در هر روز بخواند...

و هر کس نماز را در هر روز بخواند...

بسیار سودمند است و هر کس نماز را در هر روز بخواند...

و هر کس نماز را در هر روز بخواند...

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین
الطاهرات



معماری سقف بنای چاه گاو مدرسه قه‌الاسلام به سبک مشتاق

ویژگیهای معماری

نخستین ابتکاری که بانی (مرحوم آشیخ محمدعلی) در تأسیس این مدرسه به آن امر فرموده، این است که برخلاف مدارس ایران که در قدیم دارای «مدرس» (یعنی جایی که معلم بنشینند و مخصوص درس گفتن باشد) نبوده، در شمال این مدرسه یک اتاق بزرگ به شکل تالار احداث، و مفروش می‌کند به عنوان مدرس که تا امروز هم این مکان مفروش و آماده درس طلاب است^{۱۶}. ابتکار دیگر آنکه در وقف نامه این مدرسه مخصوصاً قید کرده که در آن برای استفاده عموم باز باشد، تا عموم مردم از حوض و آب آن استفاده کنند و اکنون نیز همین طور است. بانی در آنجا مسجدی هم ساخته است و باز هم به حکم نوآوری، مسجد و مدرس را از هم جدا کرده است. این مسجد هم تا امروز باقی است، با آجرها و معماری زیبا و پستندیده که در حال حاضر مفروش و قابل استفاده است. در این بنا، به پیروی از سبک قاجاری ساختمان در دور فضای مدرسه احداث شده و در وسط آن یک صحن و در بالای آن، در شمال، یک حوض و دو باغچه در دو سوی جنوبی تر آن دیده می‌شود، اما در دو طرف، حُجرات مرتفعی ساخته شده که ارتفاع آن به دلیل سالم ماندن و احتراز از نم زمین است که از ویژگی های خاک اصفهان است. همین طور در

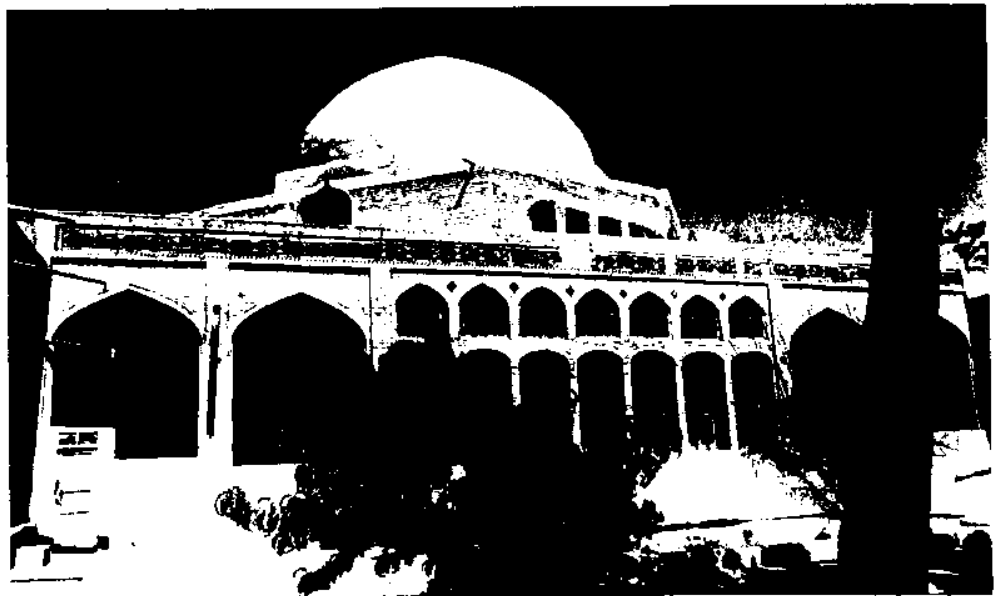
دو طرف، دو بنای آجری است و در طرف جنوب هم ساختمان دیگری ساخته است و در چهار طرف این بنا حجره هاست. یک حلقه چاه بزرگ عمیق هم که در عرف اصفهان به آن «چاه گاو» می‌گویند در زاویه شمال غربی این جا احداث کرده است. این بنا دارای زیبایی هایی است که باید رفت و دید، و در این مختصر قابل بیان نیست. در زاویه جنوب غربی، دستگاه و تجهیزات دیگری برای چاه آب و رساندن آب به حوض ساخته اند؛ اهمیت این دستگاه به سقفی است که برای آن زده اند که در جلگه مرکزی ایران تا نواحی کرمان و بلوچستان، منحصر به فرد است. این سقف از حیث معماری و هنری به «سبک مشتاق» معروف است؛ در این سبک یک طاق آجری می‌زنند و کوشش می‌کنند که انحنایش را خیلی کم کنند. سقف خیلی شبیه است به سبک چادرهای ترکمنی که چند ترکه را به هم می‌بندند و بعد داخل آنها را با آجر بندی طاق می‌زنند که پس از اتمام جلوه عجیبی پیدا می‌کند. خوشبختانه تا امروز به این سبک توجه شده است و تا حدی که می‌توانسته اند حفظش کرده اند. در زاویه جنوب شرقی مدرسه آب ریزها و فاضلاب احداث شده است. این بنا از نظر معماری و ساختمان و از لحاظ بهره‌دهی عمومی،



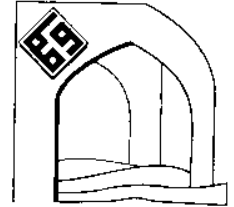
تاریخ ماندگار می‌کند و هم کیفیت کنونی آنها را روشن می‌سازد و هم عموم مردم را به گوشه‌هایی از تاریخ کشورمان آگاه می‌کند. علاقه‌ای که نگارنده به معرفی این دو موقوفه دارد، بیشتر از این بابت است که در ضمن معرفی موقوفات، تاریخ نیز گفته می‌شود، واقف و کیفیت وقف معرفی می‌شود و مجموعاً خدمتی به تاریخ می‌شود؛ درحقیقت هر چیز را ما می‌توانیم فراموش کنیم و گناهی هم ندارد، لیکن هرگاه تاریخ را فراموش کردیم به خودمان خیانت کرده‌ایم. به هر صورت مرحوم حاج شیخ محمدعلی دو قسمت از مال شخصی خود را وقف این مدرسه کرده است. از آن مرحوم وصیت‌نامه‌ای به خط خود به جای مانده که ضمن آن به فرزندان خویش وصیت کرده این جا را وقف کنند، لذا وقف‌نامه‌ای به خط مرحوم حاج شیخ مهدی، پسر واقف هست که به عربی نوشته شده، اولین رقبه وقف این مدرسه باشکوه و زیبا یک دانگ از دیه هُرستان است و هُرستان یکی از دیه‌های بسیار معتبر، آباد و ارزشمند اصفهان است. این ده واقع است بر سر جاده اصلی میان اصفهان و نجف آباد و بر سر جاده سده (خمینی شهر) به اصفهان و نجف آباد، به عبارت دیگر در میانه دو محور آسفالتی بزرگراه واقع است و از این جهت خیلی ارزشمند است. هرستان در منطقه‌ای نزدیک کوه آتشگاه قرار دارد و ده بسیار بزرگی است، به طوری که در تاریخ آن آمده است [در زمان وقف] ۲۴۰۰ یا ۲۵۰۰ جریب زمین داشته است^{۱۹}. هرستان امروز باید حدود ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشد، و اداره اوقاف قدیم در عهد رضاشاه این یک دانگ را در واحدهای کوچک دو و سه قفیزی به افرادی فروخته است. متأسفانه درآمد موقوفه بدین ترتیب از بین رفته است؛ مگر اینکه

بنای بدیعی است. در این مدرسه طلاب بزرگ دانشمندی تربیت شده و شهرت یافته‌اند، از جمله اینان است فیلسوف دانشمند مرحوم حاج شیخ فضل‌الله خوانساری^{۱۷} و چند نفر دیگر که همه از رجال و بزرگان حوزه علمیه اصفهان بوده‌اند. این حجره‌ها همیشه دایر بوده است و هنوز هم خوش‌بختانه دایر است و حجره‌های آجری خشک خوبی است و از این جهت امتیاز بزرگی دارد. درحال حاضر متولی^{۱۸} با هزینه شخصی این جا را مفروش کرده، برق کشی شده و مدرسه و مسجد روشن است، و هر چند موقوفات آن عایداتی ندارد، ولی از آنجا که متولی علاقه فراوان به حفظ یادگار گذشتگان دارد، این جا را نگاهبانی کرده است. همین جا لازم است ذکر شود که این مدرسه در سال ۱۳۱۷ به پایان رسیده و به استناد کتیبه شمالی که در آنجا اشعاری برای تاریخش گفته‌اند در سال ۱۳۱۷ به اتمام رسیده.

چون بنا بر تفصیل نیست در پایان لازم می‌دانم ذکری از موقوفات این مدرسه نیز بشود. در ابتدای این نوشتار آمد که سنت سیئه‌ای که رضاخان در فروش موقوفات گذاشت، سبب شد که نه تنها به علم و دانش این مملکت زیان وارد شود و نه تنها حوزه‌ها پراکنده و ضایع گردد، بلکه سبب شد آثار تاریخی هم روبه نابودی بگذارد. چنین مدرسه‌ای را با این امتیازات، وقتی موقوفاتش را فروختند، چگونه می‌شد که نگاه‌داری کرد؟ هر مدرسه و بنایی، اگر نگاه‌داری نشود، به حکم طبیعت در معرض آسیب و زوال و فناست. مرحوم حاج شیخ محمدعلی، بانی این مدرسه، پس از اینکه آن را ساخته است از مال شخصی خود دو رقبه موقوفه برای آن باقی‌گذارده است. معرفی موقوفات شیوه خوبی است که هم نام آنها را در



مدرسه فتنه اسلام و گنبد مسجد ساروقی



اداره اوقاف در این زمینه اقدامی جدی نماید و این محل را احیا کند. رقبه دوم دو دانگ از دیهه است به نام «قه شاپوران»^{۲۰} که آن هم دیه بسیار معتبر بزرگی است. این ده معتبر نیز متأسفانه بر اثر همان سنت سیئه فروخته شده است و اگر چه به کوشش متولی، اسناد فروش این زمین ها باطل شده، لیکن بطلان اسناد، باعث احیای موقوفه نشده و چنین مدرسه ای همچنان از این درآمد محروم است.

پی نوشت ها

۱. ابتدای مسافرت ابن بطوطه سال ۷۲۵ هـ ق در بیست و دو سالگی بوده و در جمادی الاخر ۷۲۷ هـ ق در اصفهان بوده است.

۲. عبارت کاملی که ابن بطوطه در توصیف خانقاهی که در اصفهان به آن وارد شده است: «فیها الطعام للوارد والصادر و بها حمام عجیب مفروش بالرخام و حیطانة بالقاشانی و هو موقوف فی السبیل لایلزم احداً فی دخوله شیء» رک: رحله ابن بطوطه، الجزء الاول، مطبعة مصطفى محمد، ۱۳۵۸ هـ ق، ص ۱۲۵.

۳. مرحوم شیخ ابوالفضل نجفی، متوفای ۱۳۵۰ هـ ش، از نوادگان آیت الله شیخ محمدتقی رازی نجفی صاحب کتاب هدایةالمسیرشدین.

۴. مدرسه ای بوده نزدیک محله خواجه و مجاور چهارسوی نقاشی که آن را مریم بیگم دختر شاه صفی در سال ۱۱۱۵ هـ ق بنا و وقف کرده بود. تا اواخر سلطنت رضاخان بنای این مدرسه وجود داشت و از دیرزمانی غیرمسکون گردیده بود اکنون چیزی از این مدرسه باقی نمانده جز دو لوح سنگی مرمری که مضمون آن ها متمم وقف نامه مدرسه و شرایط سکناى طلاب در مدرسه است. در محل این مدرسه قدیمی، امروز دبستانی بنا شده است. برای تفصیل بیشتر رک: هنرفر، دکتر لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقیفی، ۱۳۴۴ هـ ش، ص ۶۶۲-۶۶۷.

۵. شهر اصفهان چهار دروازه در مشرق و جنوب داشته و چهار دروازه در شمال و مغرب. جنوبی ترین دروازه ها دروازه حسن آباد بوده است که به وسیله بازار بزرگ و طویلی به دروازه شمالی طوقچی منتهی می شده است از دروازه حسن آباد تا میدان نقش جهان بازار ساروتقی، کاخ ساروتقی و مسجد ساروتقی قرار داشته است. بعد از آن، امامزاده احمد و مدرسه عربان بوده و سپس بازار مقصودییک شروع می شده است. مسجد بزرگ ساروتقی در فاصله بین بازار مقصودییک و بازارچه حسن آباد در نزدیکی امامزاده احمد واقع شده است برای تفصیل بیشتر رک: همان، ص ۳۹۳-۳۹۴ و ۵۴۷-۵۵۲.

۶. ابوالنصر بهادرخان آق قویونلو، مشتهر به اوزون حسن، از سال ۸۵۸ هـ ق (۱۴۵۴ م) حاکم دیار بکر بود. از سال ۸۷۲ تا ۸۸۲ هـ ق (۱۴۶۷ تا ۱۴۷۸ م) بر کشور قدرتمندی که شامل ارمنستان، بین النهرین و ایران می شد سلطنت می کرد. رک: گدار، آندره و ...، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرومقدم، انتشارات بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ هـ ش، ج چهارم، پی نوشت ص ۷۱.

۷ و ۸. برای شرح زندگانی میرزا محمدتقی اعتمادالدوله مشهور به ساروتقی و درباره مسجد ساروتقی رک: همان، ص ۳۲۱ و ۳۲۲ سفرهای شوالیه شاردن، چاپ اول، لانگلس،

ج ۷، ص ۳۰۲-۳۱۹، آ. هوتوم شیندلر، عراق شرقی ایران، ص ۱۲۳؛ میرسیدعلی جناب، الاصفهان به اهتمام عباس نصر، انتشارات گلها، اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۷۱ هـ ش، ص ۲۶۸-۲۷۴؛ فلسفی، نصرالله، مجله اطلاعات ماهانه، اردیبهشت ۱۳۲۹؛ خاتون آبادی سیدعبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، ص ۵۵۷؛ هنرفر، لطف الله، همان، ص ۵۴۷-۵۴۸.

۹. چهارسوی بازار ساروتقی در بازار معروف به بازار قهوه کاشی ها واقع شده است. این بازار از بازار اصلی منشعب شده و در شمال شرقی میدان نقش جهان قرار دارد. کاروانسرای ساروتقی در ضلع شمالی چهارسو و مسجد کوچک ساروتقی در ایوان جنوبی آن واقع است. بازارچه و کاروانسرا از معماری زیبا و سقف ها و نقوش آجری ارزشمندی برخوردار است. متأسفانه اکنون کاروانسرا و مسجد مسدود و متروک است. در اطراف چهارسو در هشت لوحه در بالای چهار گوشواره زوایای چهارسو چهار بیت به خط نستعلیق مرحوم محمدرضا امامی، خوشنویس شهیر عصر صفوی، بر کاشی های آبی خوش نشسته است، بیت آخر به طور ایماه و اشاره حکایت از واقعه قتل ساروتقی و اتمام بنا در فاصله یک سال پس از درگذشت وی دارد، دو بیت آن سالم و دیگر ابیات جز کلماتی از آن بقیه ریخته و از بین رفته است. دو بیت سالم بیانگر ماده تاریخ چنین است:

سال تاریخش چو چشمم از خرد

در ره این مصرعم شد رهنما

حاسد شه را سرافکنند و شد

چار ارکان، چار رکن این بنا (۱۰۵۶)

همچنین لوح سنگی نصب شده در بازار ساروتقی حکایت از وجود موقوفاتی دارد که بر تئزیه داری خامس آل عبا و امامزاده اسماعیل وقف شده است.

بر کتیبه مقابل در کاروانسرا، واقع در سردر مسجد کوچک ساروتقی، به خط ثلث مرحوم محمدرضا امامی دو آیه از قرآن کریم و یک روایت به صورت پی در پی روی کاشی خشت لاجوری نوشته شده که بخشی از آن ریخته و تاریخ کتابت آن ۱۰۵۶ هـ ق ذکر گردیده است. برای تفصیل بیشتر رک: هنرفر، دکتر لطف الله، همان، ص ۵۴۹-۵۵۲.

۱۰. به نظر آندره گدار «مبارزه با احداث مساجد نوع عربی در ایران از اصفهان و در عصر سلجوقی شروع شده است و مسجد چهار ایوانه در این شهر و یا در اطراف آن با به عرصه وجود نهاده است» (رک: گدار، آندره، مقاله «مساجد قدیمی ایران» مندرج در آثار ایران، همان، ص ۱۳).

۱۱. محمد مهدی بن محمدرضا الاصفهانی، مؤلف نصف جهان فی تعریف الاصفهان که در سال ۱۳۰۸ هـ ق به تألیف کتاب

(قمشه). وی شعر هم می گفته و «صدقی» تخلص داشته است. بیشتر کار او در قلمدان هاست و قلمدان های نقاش باشی اسفراجانی امروز بی بدیل و بی نظیر است.

۱۶. این ابتکار از آن جهت ممتاز است که در مدارس معمولاً از ایوان ها به عنوان مدرس استفاده می شد. همچنان که در مدارسی چون صدر و چهارباغ مرسوم بوده است.

۱۷. «شیخ فضل الله خوانساری از مجتهدین و حکما و افاضل بوده ... در تاریخ نایین شطری از ایشان مذکور است وفاتش در سال ۱۳۵۶ هـ ق و قبرش در تخت فولاد اصفهان است.» جزئی، آخوند ملاعبیدالکریم، رجال اصفهان یا تذکره القبور با حواشی مرحوم سیدمصالح الدین مهدوی، چاپ دوم، ۱۳۲۸ هـ ش، ص ۲۲۴.

۱۸. متولی، شخص نگارنده محترم مقاله است که علاوه بر بهره مندی از مقام علمی و پژوهشی، خدمات شایان و قابل تقدیری در حفظ میراث ارزشمند گذشتگان و احیای موقوفات انجام داده است (میراث جاویدان).

۱۹. دقت در یک کلمه از نظر فقه اللغة می تواند بیانگر تاریخ آن باشد. این واژه کهن، مرکب است از دو جزء «هر» و «ستان». «ستان» را می دانیم که پسوند کثرت و محل است، مثل گلستان و کوهستان، اما جزء اول آن به حسب تحقیقات نگارنده (دیگران هم البته مساعدت فرموده اند) به صور مختلف در فرهنگ دیه ها استعمال می شود یا به صورت «هر» به ضم اول یا «هر» به کسر اول، مثل «هریزه» یا «هریزه» و یا به صورت «اور» مثل «اورگان» و یا «اوره» و یا «هوره»؛ به هر صورت این واژه «أر»، «أره» و «هره» همیشه به معنای آب است و از ریشه «أر» (ow) است که امروز در دهستانها رایج و به معنی «آب» است و در اوستایی هم «أ» به ضم اول به معنی آب است و «راء» آن هم [در «هر»] وقایه است. «أ» یک کلمه اصیل اوستایی است که ایرانیان قدیم به کار می برده اند و چون آب نشانه آبادانی است. نام بسیاری از امکنه و بقاع در اطراف ایران با نام آب آغاز می شود یا به صورت قدیم و یا به صورت جدید مثل: «آب سنجد»، «آب تلخه»، «شور آب» و غیره اینها همه نشان آن است که ایرانیها به آب علاقه دارند پس هرستان یعنی جایی که آب زیاد دارد [رک: رساله فرهنگ نامهای کهن اصفهان از نگارنده که تفصیل بیشتر در آنجا آمده است.]

۲۰. «قه شاپوران» مرکب از دو جزء «قه» و «شاپوران»، «قه» مصحف و معرب کلمه «که» است که در اصطلاح محلی اصفهان به معنی قنات است «که» «کهریز» و «کاهریز» همه به معنی قنات است و «شاپوران» معرف انتساب است یعنی قنات شاپوران، در اصفهانی که همیشه مرکز «واسپوهران» یعنی شاهزادگان ساسانی بوده است. این دیه منسوب به شاهزادگان ساسانی و معروف به «که شاپوران» بوده بعد معرب و مصحف شده و ما آن را «قهشافران» یا «قشافران» تلفظ می کنیم. [برای تحقیق بیشتر رک: به فرهنگ نامهای کهن اصفهان، از نگارنده.]

مزبور همت گماشته درباره این گنبد می نویسد: «... و گنبدی از آن باقی است مذهب، قابل ذکر است؛ چه آن عمل و صنعت استادان شیرین کار قدیم که الحال صانع مثل آن موجود نیست، می باشد. داخل این گنبد را زرنشانی که از اقسام تذهیب است ساخته اند که دانایان این فن در طرح و صنعت آن حیران و از آتیان به مثل آن به عجز اعتراف می نمایند. آن را ساروتقی، ملقب به اعتمادالدوله وزیر شاه صفی، ساخته و وضع مسجد و حالات آن درست معلوم نیست. همین قدر صنعت زرنشان این گنبد حکایتی از بانی و سلیقه آن می نماید.» بن محمدرضا الاصفهانی، محمد مهدی، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به تصحیح و تحشیه دکتر منوچهر ستوده، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸ هـ ش، ص ۶۸-۶۹.

۱۲. بر کتیبه بالای در ورودی صحن کوچک مسجد مذکور (مورد بحث در مقاله) که به ضلع غربی بازارچه حسن آباد گشوده می شود این عبارت به خط ثلث مرحوم محمدرضا امامی نقش بسته است:

«فی ایام الدولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم مروج المذهب الائمة المعصومین، علیهم السلام، السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الحسینی الصفوی الثانی بهادرخان، خلدالله ملکه و سلطانه، توفیق بنای این مسجد یافت مخدوم الامراء و خادام الفقراء اعتمادالدوله العلیه العالیه میرزا محمدتقی المشهور بساروتقی فی ۱۰۵۳ کتبه محمدرضا الامامی الاصفهانی الادهمی.»

۱۳. از دیگر آثار به جای مانده از ساروتقی همچنین یک رحل قرآن معرق بسیار نفیس است که اکنون به گنجینه آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) قم تعلق دارد. این رحل در نیمه اول قرن یازدهم ساخته شده و حسب عبارت مکتوب بر آن واقف (ساروتقی) آن را بر مزار شاه صفی که قرب مرقد حضرت معصومه (ع) قرار دارد وقف نموده است. کیفیت ساخت، معرق کاری، خطاطی، طراحی و نقوش و مصالح کار برده شده در این رحل از آن، اثری منحصر به فرد و زیبا پدید آورده که در جای خود قابل بررسی و معرفی است.

۱۴. حاج میرزا نصرالله ملک المتکلمین از خانواده بهشی در ماه رجب ۱۲۷۷ در اصفهان به دنیا آمد ... و پس از تحصیلات مقدماتی و فراگرفتن حکمت و فلسفه به هندوستان رفت و مدرسه ای تأسیس و کتابی به نام من الخلق الی الحق در بیداری مسلمانان منتشر ساخت. پس از مراجعت به ایران با سیدجمال الدین آشنا شد و در جریان مشروطیت با خطابه های خود به بیداری مردم پرداخت. دوست و دشمن متفق القولند که در میان فارسی زبانان، متکلمی به بلاغت، و خطیبی به فصاحت وی نیامده است و در میان مردان جهان آزادمردی به آن شهامت و ایمان کمتر دیده شده است. برای توضیح بیشتر رک: ملک زاده، دکتر مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، چاپ دوم، علمی، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۶۴.

۱۵. از احوال مرحوم نقاش باشی سمیرمی اطلاع چندانی در دست نیست [در مقاله دو هنرمند نقاش و چند خاندان هنرمند نقاش اصفهانی نوشته عبدالعلی ادیب برومند، در همین ویژه نامه، در مورد این نقاش نکات بیشتری آمده است. میراث جاویدان] مرحوم سمیرمی از سبک و مکتب کمال الملک که استاد بزرگ مسلم طبعیت گرای است تأثیر گرفته است، لیکن در آثار مرحوم سمیرمی جان و جنبش و دل دیده می شود. مرحوم نقاش باشی اهل سمیرم بود و در قریه اسفراجان که خانواده های بزرگ نقاشی و تذهیب و قلمزنی آن معروف بوده اند متولد شد. برخی او را سمیرمی و برخی او را اسفراجانی نامیده اند، ولی مسلماً منسوب به اسفراجان است که دپهی است بزرگ و خوش آب و هوا، افتاده در جنوب اصفهان و نزدیک به شهرضا

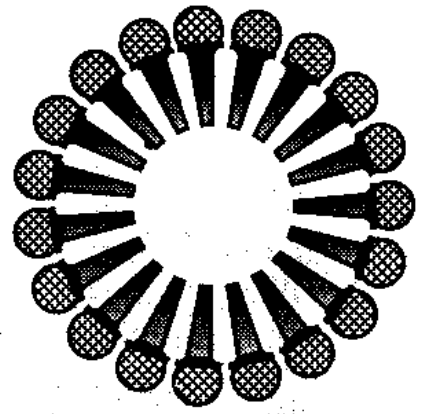


همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده

تهیه و تنظیم: علیرضا معزی



مسجد، کانون تجلی هویت معنوی و پناه و تکیه گاه مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون مهم‌ترین عنصر شهری و معماری و مرکز تبلور عالی‌ترین اشکال خلاقیت، ذوق و سلیقه معماران مسلمان بوده است. این نگین حلقه شهرنشینی و جواهر تابان بسیاری از شهرهای ما - که آوازه نمونه‌هایی درخشان آن در قرون گذشته در سرتاسر گیتی پراکنده است -، در گسست فرهنگی و هویتی تحمیل شده به جامعه ایران طی سده اخیر،



گزارش

اتصال و پیوند خود را در مسیر تکاملی معماری از دست داد. اگرچه مسجد مهمترین و اصلی ترین پایگاه عقیدتی، اجتماعی و سیاسی مردم در سالهای طولانی و بویژه در نهضت انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس بوده و هست، اما معماری مناسب و در خور مقام و جایگاهش را در جامعه امروز ایران نیافته است.

تبادل آرا و افکار متخصصان و استادان دانشگاهی و حوزوی در زمینه های مختلف مربوط به عملکرد و خصوصیات کالبدی مسجد با توجه به ویژگیهای بر شمرده برای آن در احادیث، روایات و نصوص دینی و نیازهای کنونی، نقش بسزایی در روشن شدن زمینه های مختلف مربوط به موضوع ایفا می کند. مسجد کانون عبادی - اجتماعی و مرکز حفظ و اشاعه اسلام در سطح جامعه است، و بنابراین می تواند و باید نقش و جایگاهی در خور شرایط و نیازهای امروزین داشته باشد. از طرف دیگر، مسجد باید از چنان مشخصه های کالبدی، فضایی و عملکردی برخوردار شود، که بتواند نماد و تبلور مکان و جایگاهی مناسب در مجموعه کوی، محله و شهر اسلامی دارا باشد.

از این رو، بررسی عملکردهای مسجد با توجه به نیازهای گسترده مذهبی، فرهنگی - اجتماعی از سویی، و خصوصیات کالبدی - فضایی و شهر سازانه آن از سوی دیگر، بیش از هر زمان دیگر اهمیت و ضرورت می یابد.

چگونگی آغاز کار

مسائل و مشکلاتی که نهادهای دست اندرکار اجرایی ساخت مسجد در چند سال اخیر با آن مواجه بودند، ضرورت اجرای برنامه های ذیل را ایجاب کرده است:

۱. ضرورت بهره گیری از نظریات متخصصان، استادان دانشگاه و علمای حوزه در تدوین اصول و ضوابطی که راهنمای فعالیت در ساخت و سازهای گسترده مساجد در سطح کشور باشد.

۲. استفاده بهینه از سرمایه ها و نیروهای موجود

۳. ضرورت دستیابی به هویت و شخصیتی در خور در ساختمان مساجد امروزی

نکات فوق، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه هنر و سازمان تبلیغات اسلامی را بر آن داشت که راههای عملی شدن اهداف فوق را در همایشی تحت عنوان «معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده»، به بحث و بررسی آورد.

لذا، همایش به صورت دو کمیته اجرایی و علمی شروع به کار کرد. کمیته علمی آن متشکل از نمایندگان منتخب: دانشکده های معماری کشور، سازمان میراث فرهنگی، سازمان ملی زمین و مسکن، حوزه علمیه قم و دانشگاه هنر، درباره موضوعات مختلف در خصوص معماری مساجد به بحث

پرداختند و این موضوعات را در هشت محور ذیل تعریف کردند:

۱. تبیین ویژگیهای معماری مسجد یا گنبدینه کهن، نیازهای کنونی و افق آینده

الف: خصوصیات کالبدی - فضایی

ب: خصوصیات ساختاری (فتون نوین مساجد)

ج: جنبه های جمالی مسجد

۲. نقش و جایگاه مسجد در سلسله مراتب شهری در دوران گوناگون

۳. آشنایی با نمونه های موفق معماری مساجد جهان در دوران معاصر

۴. معرفی و نقد معماری مساجد معاصر در ایران

۵. ارتباط خصوصیات معماری مسجد و زمینه های معنوی (تأثیر مسجد بر نمازگزاران)

۶. معماری مسجد از دیدگاه نصوص دینی

۷. تأثیر نقش عبادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسجد در معماری آن

۸. نقش تحولات اجتماعی - سیاسی و کاربرد مساجد و معماری آن

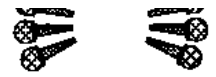
بر اساس محورهای فوق، کمیته علمی همایش از میان بیش از ۳۰ عنوان مقاله و خلاصه مقاله ارسالی به دبیرخانه همایش، تعدادی از آنها را برای طرح و بحث در جلسات برگزید.

بر اساس تصمیم کمیته اجرایی، مقرر شد که همایش از ۳ تا ۵ دی ۱۳۷۶ در پردیس اصفهان برگزار شود. از آنجا که از اهداف عمده همایش تأکید و تکیه بر وجه آموزشی آن بود، مقدمات حضور دانشجویان معماری در آن نیز فراهم شد، و در نهایت ۶۵۰ دانشجوی معماری از ۱۶ دانشکده معماری در سراسر ایران در همایش شرکت کردند.

همایش معماری مسجد در روز ۳ دی در محل بیت الشفاء مسجد جامع اصفهان افتتاح شد، و نشستهای بعدی آن نیز در تالار توحیدخانه دانشکده پردیس اصفهان دنبال شد.

آقای مهندس باقر آیت الله زاده شیرازی، دبیر همایش معماری مساجد، در مراسم افتتاحیه همایش ضمن ارائه گزارشی از عملکرد کمیته های اجرایی و علمی، برگزاری این همایش را راهی برای ایجاد وحدت بیشتر میان حوزه و دانشگاه دانست. وی اظهار امیدواری کرد که با تشکیل دبیرخانه های دائمی، می توان به بحث و قحص پیرامون مسائل معماری مسجد ادامه داد تا به راههایی اساسی و امیدوار کننده برسیم.

پس از سخنان دبیر همایش حجت الاسلام تقی قرائتی، عضو هیئت رئیسه همایش، به تشریح مسائل و مشکلات مساجد معاصر پرداخت و اشاره کرد که مسجد سازی یک عبادت و فرهنگ است، و آشنایی با فرهنگ مسجد سازی و ویژگیهای آن، راهی برای رسیدن به اشکال امروز مسجد سازی است. در این مراسم که با حضور آیت الله مظاهری رئیس حوزه



«معماری مسجد از مفهوم تا کالبد»

آقای مهندس نقره کار، نگارنده این مقاله، معتقد است که مسلمانان ساختمان مساجدشان را از آتشکده‌ها گرفتند، در حالی که هویت آن را دگرگون ساختند. بسته شدن جهت قبله به جای سیر در آفاق، انسان را به سیر در درون وا می‌دارد، و نگاه را از بیرون به درون متوجه می‌سازد. تمام نماهای بیرونی مساجد به دری ختم می‌شود که محل ورود انسان است. مسقف نبودن مسجد النبی و سقف متشکل از شاخ و برگ و پوسته‌ای که بعدها بر روی آن آمد، لازمه توجه انسان به آسمان و برای رفتار نشدن انسان در خود و همین‌طور امیدبخشی برای او بوده است.

«مسجد و پیرامون»

این مقاله که به وسیله باقر طباطبائی در همایش مطرح شد، بر آن است که غفلت از فرهنگ در معماری مسجد، مسجد را به سوی ساختمان سازی می‌کشاند، و فرهنگ کمال نمی‌یابد مگر به دست معماران.

فرهنگ دینی، معماری دینی را به دنبال دارد. و از پس آن، سایر وجوه قدسی پدیدار می‌شود. در این مقاله که بیشتر تکیه بر ارتباط دو سویه فضای محیط و جایگاه مسجد دارد، به تشریح وضعیت مساجد در شهرهای امروزی می‌پردازد: «مسجد جایگاه تمام ویژگی شهری است. مسجد هر شهری در واقع آینه تمام نمای آن شهر است. در شهر اسلامی، مسجد یک نشانه کالبدی است، پس باید با پیرامونش هماهنگ باشد. اگر مسجد دارای قالب قدسی باشد، شهر نیز قدسی خواهد بود».

«مسجد تمثال انسان کامل»

مقاله‌ای از مهندس نوایی است، که به تشریح خصوصیات انسان کامل می‌پردازد و اینکه این خصوصیات باید در معماری مسجد نیز به وجود آید. نگارنده مقاله می‌افزاید: معماری در صدساله اخیر عقل سالار بوده است. اما به مرور زمان از عقل سالاری به سمت عقل ستیزی حرکت نمود تا امروز که یک معماری عقل ستیز داریم. اما در مسجد، عدل - که یکی از درجات عقل است - باید رعایت گردد، و به تعادلی میان عقل ستیزی و عقل گرایی برسیم.

نمایشگاه

در حاشیه این همایش، نمایشگاهی با همیاری ۱۵ دانشگاه و سازمان، و افراد حقیقی برگزار شد، که مجموعه‌ای از رسالات تحقیقی پایان نامه‌ها، اسناد و مدارک مربوط به مساجد، طرحهای عملی، طرحهای دانشجویی، ماکت، عکسها و نقاشیهای مربوط به مساجد به نمایش گذاشته شد، که با استقبال شرکت کنندگان مواجه شد.

علمیه اصفهان، آیت الله طاهری نماینده ولی فقیه و امام جمعه اصفهان، حجت الاسلام محسن قرآتی رئیس نهضت سوادآموزی و شماری از شخصیت‌های علمی و اجرایی کشور برگزار شد، آیت الله مظاهری ویژگیهای مسجد و تأثیر آن در جامعه دینی را برشمرد. در پایان مراسم افتتاحیه، دکتر جبل عاملی نیز به تشریح سیر تحول مسجد جامع اصفهان پرداخت. همایش «معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده» پس از مراسم افتتاحیه، کار خود را در ۱۰ جلسه صبح و بعدازظهر و سه جلسه بحث آزاد شبانه، در روزهای بعدی در تالار توحیدخانه دانشگاه معماری دانشگاه پردیس دنبال کرد.

خلاصه برخی مقالات

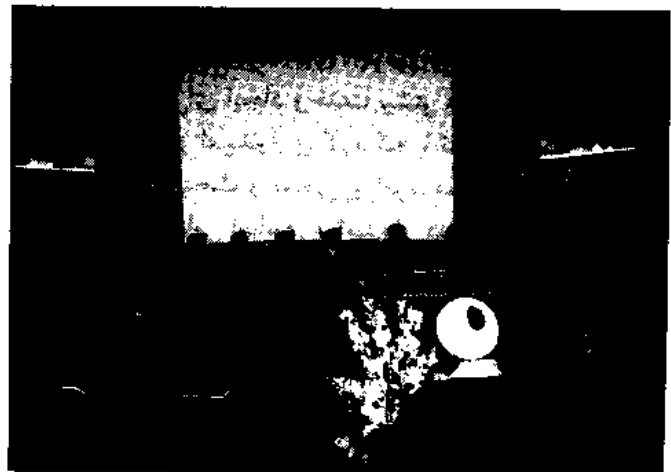
«معماری مسجد از دیدگاه متون دینی»

در این مقاله که به وسیله حجت الاسلام نوبهار تهیه و تدوین شده، مطالبی درباره ویژگیهای معماری مساجد برگرفته از روایات و آیات آمده است. این ویژگیها در محورهای ذیل خلاصه می‌شود:

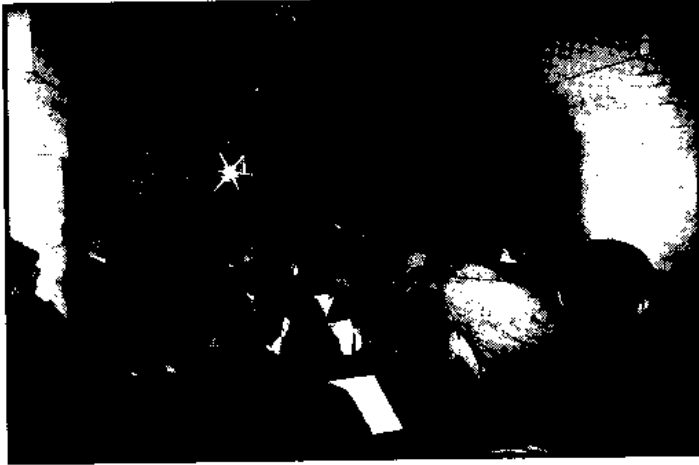
۱. توجه معمار متعهد به سه محور:
- الف: رسالت و کارکردهای مسجد
- ب: احکام و آداب مسجد
- ج: توصیه‌های ویژه درباره کیفیت بنای مسجد در روایات
۲. نیستن باب خلاقیت و ابتکار
۳. توجه به نیازهای امروزی
۴. تأثر معماری مسجد در هر عصر و زمان از پدیده‌های

اجتماعی

۵. تأثیر روحیات معمار در بنای مسجد
۶. ساده بودن مسجد و تجملی و موزه‌ای نبودن آن
۷. مختصات معماری و ویژگیهای سازه‌ای



این همایش در ۵ دی، با صدور بیانیه ای به کار خود پایان داد. آنچه در خصوص برگزاری این همایش قابل ذکر است، آنکه به جهت اهمیت جایگاه مسجد در جامعه دینی - انقلابی مان، برگزاری چنین همایشهایی بسیار ضرور و مغتنم است. اما به دلیل تجربه ناکافی برگزار کنندگان، اشکالاتی همچون: کیفیت پایین بعضی از مقالات مطرح شده در همایش، نحوه ارزیابی مقالات، نحوه تدارکات برگزاری همایش و نحوه شرکت میهمانان، مدعوین و دانشجویان، در این همایش به چشم می خورد. لازم است که برگزار کنندگان بویژه کمیته اجرایی همایش، به رفع این نواقص در دوره های بعدی همایش بپردازند، که طبعاً رفع این گونه عیبه، در کیفیت نتایج و تصمیمات اثر خواهد گذاشت.



قطعه نامه همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده

۱. مسجد خانه خدا، و معماری آن قدسی ترین نوع معماری است. بنابراین شرافت و قداست موضوع، به تنهایی خود دلیل کافی برای پرداختن هر چه بیشتر و تأمل و تفحص در این زمینه است.

تذکرات مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت احیای مساجد و حضور مسجد به عنوان کانون عبادی - اجتماعی و همچنین اشاره معظم له به ضرورت شناسایی و ایجاد شهر اسلامی که بی گمان مسجد عنصر اساسی شکل دهنده به آن خواهد بود، نیز مؤید اهمیت موضوع این همایش است.

۲. مسجد، تبلور تمدن و فرهنگ اسلامی و آینه تمام نمای سطح پیشرفت علمی و تخصصی و معرفت دینی هر دوره از این تمدن است. و از این رو، یکی از معیارهای ارزیابی توان فرهنگی ما در آینده نیز مساجدی خواهد بود، که از ما به جای می ماند. از این رو، لازم است اینک که قریب به دو دهه از انقلاب اسلامی سپری شده، مقدماتی فراهم شود تا مساجدی که در کشور اسلامی ایران ساخته می شود، بیانگر معنویت و دینداری جامعه مسلمان از یک سو، و عمق درک علمی و فنی تولیدکنندگان خداپرست آن، از سوی دیگر باشد.

۳. نماز راز و نیاز بنده با خدا، و در میان عبادات چه بسا پر رمز و رازترین آنهاست؛ عبادتی که ستون دین است. معماری مسجد نیز خود عبادت است، و باید صورتی بیافریند در خور معنایی که در آن متحقق می شود.

۴. از آنجا که مساجد مصادیق متعالی معماری اسلامی اند، تلاش در زمینه شناخت معماری مساجد، وسیله هموار کردن راه برای گسترش معرفت جامعه در زمینه معماری اسلامی به طور اعم است.

۵. به مصداق آیه شریفه: «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر»، معماری مسجد از یک نظر انعکاس معنویت معمار طراح آن است؛ و تخلق به اخلاق اسلامی، مشخصه

وی. دین باوری و دینداری و التزام به تقوای الهی، شرط ضروری است که بدون آن، تصور موفقیت واقعی معمار در طرح و خلق مسجد ممکن نمی نماید.

۶. مسجد تبلور بینش اسلامی، مکان تلاقی و جمع بین مسائل و مبانی فقهی از سویی، و مبانی نظری و عرفانی از سوی دیگر است. علم مسجد سازی از دیرباز هر دو وجه را در خود گردآورده است، و معمار مسلمان امروزی نیز باید با هر دو سوی آشنا باشد.

۷. ثروت گرانبهای به جا مانده از ۱۴ قرن تمدن اسلامی، گواه بارز تداوم و حفظ اصول کلی و جوهره معماری این دوره است، که از حکمت و فلسفه الهی اسلام مایه می گیرد. ضمن آنکه این معنا هرگز صورت یکسانی نمی یابد، و هر بار طرحی نو در انداخته می شود. در شرایط کنونی که گستره فعالیتها و نحوه متفاوت آموزش با گذشته و جدایی آموزش عملی و نظری، تدوین اصول راهنما را در دستور کار قرار داده است، نباید این اصول منجر به تعطیل باب خلاقیت و نوآوری در طرح مسجد شود. افزودن به ثروت گذشته و ارائه آثار جدید و متنوع، مستلزم ایجاد فضای لازم برای پیدایش معماری و معماران موفق است. هرچند باید مراقب بود که ضرورت نوآوری، بهانه بدعتگذاری و ارائه نمونه هایی که مطلقاً عاری از هر گونه اصالت دینی و تاریخی است، نشود.

۸. آثاری که خلق می شود، باید ضمن پاس داشتن و تداوم ارزشها و مفاهیم عمیق اسلامی مستتر در بناهای گذشته، مسائل و شرایط جدید را در نظر بگیرد:

الف: نیازهای علمی و اجتماعی

ب: جنبه های فرهنگی منتج از شرایط نوین

ج: نحوه به کارگیری مواد و مصالح جدید

د: نحوه استفاده از تکنولوژی و فنون نوین در ساختمان

مسجد

ه: توجه به جنبه های مربوط به پایداری و استحکام بنا

حاصل آید و منتقل شود. می توان با دعوت از محققین و اندیشمندان کشورهای مسلمان، بعدی عمیقتر به همایشهای بعدی داد و مقیاسی منطقه ای بدان بخشید.

۱۴. ضروری است مرکزی مستقل به منظور هدایت پژوهش در زمینه های مختلف مربوط به معماری مساجد و به عنوان کانونی برای انجام تحقیقات و انتشار نتایج آن تأسیس گردد. چنین مرکزی می تواند پژوهشهای متعددی را در زمینه های گوناگون مربوط به معماری مسجد در گذشته، وضعیت آن در شرایط حاضر و اصول مورد نظر جهت آینده هدایت و سرپرستی کند.

۱۵. به منظور تمرکز بخشیدن به اطلاعات موجود در زمینه های مختلف مربوط به معماری مسجد، ایجاد بانک اطلاعاتی در زمینه ها زیر ضروری است:

- تهیه فهرست معماران مسجدها
- شناسایی و تهیه فهرستی از مساجد خوب و نمونه از نظر معماری

- کتاب شناسی مسجد
- دائرة المعارف معماری مسجد
- شناسنامه مساجد

۱۶. به منظور آشنا کردن دانشجویان و جامعه معماری و علمی کشور با تجارب ارزشمند گذشته و نمونه های موفق مساجد امروز و گشودن زمینه تبادل و نقد آرا و افکار، انجام فعالیتهای زیر پیشنهاد می شود:

در برابر حوادث غیر مترقبه

۹. معماری امروز ما خواسته یا ناخواسته تا حدودی تحت فشار جریانهای فرهنگی معماری غیر خودی قرار دارد. مصون داشتن سنگر مقدس مساجد از این تهاجم فرهنگی، وظیفه همه اساتید و محققین علاقه مند به معماری اسلامی است.

۱۰. در حال حاضر دانش و معرفت ما نسبت به اهمیت معماری مسجد در فرهنگ اسلامی ایران، محدود است. تحقیق و تأمل و تضارب افکار و گسترش مطالعات و نشر آثار در این زمینه، اقدامی ضروری است. طرح و ایجاد مساجد مطلوب معاصر، با کسب این یافته ها ممکن می شود. برای رسیدن به چنین نتایجی، می باید به دور از شتابزدگی و با تأمل و تدبر، کاری جدی و عمیق را پایه گذاری و تداوم بخشید.

۱۱. مشارکت فعال و همه جانبه ارگانهای فرهنگی مختلف و متعدد در برگزاری این همایش، خود گواه درک اهمیت و ضرورت این موضوع و ارتباط آن با زمینه های گوناگون مذهبی، فرهنگی، هنری و اجتماعی در سطح کشور است. این همدلی و ارتباط را به فال نیک گرفته و بر بسط و توسعه و تحکیم آن بویژه در زمینه های زیر تأکید می ورزیم:

الف: مشارکت بین حوزه های علمیه و دانشگاهها در فعالیتهای آموزشی و پژوهشی در زمینه مفاهیم و مبانی علوم اسلامی مربوط به معماری به طور عام و معماری مسجد به طور خاص

ب: مشارکت بین سازمانهای دولتی، حوزه های علمیه و دانشگاهها جهت تدوین اصول راهنمای ساخت مسجد در شرایط کنونی

ج: مشارکت بین سازمانها و نهادهای اجرایی مسئول در امر مسجدها، جهت روشن و ضابطه مند نمودن وضع فعلی احداث مسجد

د: مشارکت بین سازمانهای دولتی و دانشگاهها با سازمانهای غیر دولتی نظیر سازمان نظام مهندسی ساختمان در جهت تبادل نظر و انجام فعالیتهای اجرایی و پژوهشی مشترک

۱۲. مسجد جایگاه تعالی انسان مسلمان و مکان تجمع و یکدلی امت اسلامی است. بنابراین تداوم مشارکت فعال و همه جانبه علمی و عملی مردمی در برنامه ریزی، ساختن، به سازی و اداره مسجد، امری ضروری و تضمین کننده حیات پویا و ثمربخش این مکان مقدس خواهد بود.

۱۳. برگزاری اولین همایش معماری مسجد، گشودن باب مباحثه و گفتگو میان معماران و محققین در زمینه مسجد و معماری اسلامی از سویی و میان معماران و اساتید و محققین حوزه های علمیه از سوی دیگر بود. فتح این باب آغاز سخن است و ادامه آن موضوع همایشهای بعدی که باید برگزار شوند تا دانش عمیقی از کم و کیف مسایل مربوط به معماری مسجد

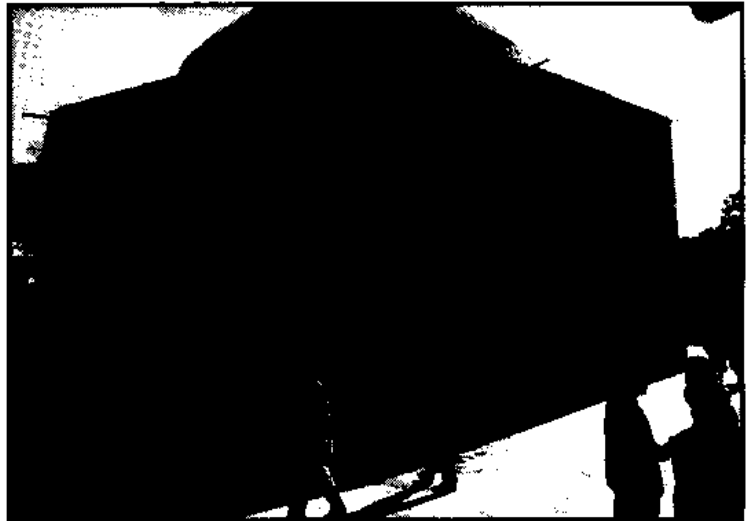


عملکرد آن در مقیاس کوی، محله و شهر، بدرستی تعیین می‌شد. در شرایط کنونی تأمل و تعمق در مورد نقش و کارکردهای مختلف مسجد در سلسله مراتب شهری با توجه به الزامات معنوی آن، امری ضروری و ملازم با معماری آن است. ۲۱. لازم است مساجد موجود در شهرهای گوناگون از نظر تناسب امکانات کالبدی، با نیازهای حوزه تحت نفوذ مورد ارزیابی قرار گرفته و نقاط قوت و کاستیهای احتمالی آنها شناسایی و با رعایت اصول برای رفع حواجی حاضر مناسب سازی شوند.

۲۲. گنجینه گرانبهای مساجد به جا مانده از دورانهای پرشکوه تاریخ اسلام، کارگاه آموزشی و کتاب خواندنی همیشگی برای تمامی دانشجویان و دانش پژوهان رشته معماری و سایر رشته‌های مرتبط است. احیا و مناسب سازی این مساجد برای نیازهای امروز و فردا، نباید منجر به ازهم پاشیدگی نظام فضایی و ساختار کالبدی آنها و در نتیجه ناخوانا شدن و از دست رفتن وجه ارزشمند آموزشی و فرهنگی آنها شود.

۲۳. طرح، ساخت، نگهداری و اداره مساجد، باید به گونه‌ای باشد که استقلال اقتصادی و استقلال معنوی مساجد حفظ شود.

۲۴. در راستای تداوم فعالیت‌های انجام شده و پیگیری اقدامات پیش‌بینی شده در قطعنامه، پیشنهاد می‌شود دبیرخانه دائمی همایش معماری مسجد تشکیل گردد.



الف: انتشار کتب، جزوات و رسالات تحقیقی مربوط به مسجد

ب: معرفی و تحلیل طرحها و نقشه‌های مساجد تاریخی

ج: معرفی، بررسی و نقد نمونه‌های معاصر

د: انجام مسابقات معماری در زمینه طراحی مسجد در سطح دانشجویی و حرفه‌ای

ه: تدوین و انتشار اصول و ضوابط راهنمای ساخت مساجد

۱۷. لازم است در برنامه‌های آموزشی دانشکده‌های معماری، مباحث مختلف مربوط به معماری مسجد، جایگاه درخور خود را در آموزشهای نظری و عملی بیابند.

پیش‌بینی تسهیلات ویژه برای دانشجویانی که موضوعات پایان‌نامه تحصیلی خود را در زمینه طراحی مسجد انتخاب می‌کنند، در تعمیق این مباحث مؤثر خواهد بود.

۱۸. استادکاران سنتی معماری که دانش و معرفت خود را از آموزه‌های انتقال یافته سینه به سینه در طی نسل‌های پی در پی کسب کرده‌اند، از توانایی، دانش و بینش ارزشمندی برخوردارند. این دانش و توان، باید در کنار آموزه‌های دانشگاهی در طراحی مساجد به کار گرفته شود.

۱۹. با توجه به چند وجهی بودن امر معماری مسجد، می‌باید علاوه بر اساتید حوزه‌های علمی، معماران اعم از دانشگاهی و سنتی، بهره‌گیری از دانش پژوهشگران و متخصصین علوم دیگر من جمله علوم اجتماعی (جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، باستان‌شناسان و ...) نیز ملحوظ داشته شود.

۲۰. شهر اسلامی باید در همه فضای خود تمثیل معنویت و روح اسلام باشد. هرچند مسجد به عنوان نماد بینش اسلامی و تمثال انسان کامل مسلمان، باید در چنان مکان و موقعیتی در شهر تعریف و تبیین شود که این وجه دینی و عبادی را حفظ و اشاعه دهد. در گذشته، موقعیت و ویژگیهای مسجد بر حسب نقش و